وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا

الحمد للہ کہ مباحثہ جو سنہ حال میں اکبرآباد کے اندر مجمع عام میں ہوا

تمام تر صحت سے اس رسالہ میں جو نام اوسکا

البحث الشریف فی اثبات النسخ والتحریف

ہے مرقوم ہوکر سنہ ۱۲۷۰ ہجری شہر

شاہجہان آباد میں فخر المطابع کے اندر

حافظ عبد اللہ کے اہتمام سے چھپا

بسم الله الرحمن الرحیم

عالم عالم حمد و ثنا حضرت واجبی را که منشور جلالتش بطغرای قل هو
الله مزین و غنی و بی‌نیازی که از فرمان کمالش توقیع الله الصمد بر جبین
وحدیی که لم یلد و لم یولد بادلهٔ قطعیهٔ عقلیه و نقلیه در حقش صادق
واحدی که بملاحظهٔ کمال جبروتش اتصافش به و لم یکن له کفوا احد
سراسر بجا و لایق و معبودی که بتاکید انی انا الله لا اله الا انا فاعبدون
حکم فرموده و غیوری که بمقتضای غیرت فاعلموا انه ... ارشاد فرموده
و جان جهان درود بر جناب پیغمبری که نهال شریعت مطهرش تا ابدالآباد
از صدمهٔ خزان نسخ در صیانت سرمدی است و رسولی که فرقان مجید و قرآن حمید
که لا ریب فیه از جانب رب مجید نازل شده بفحوای لا یأتیه الباطل من
بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید از خرابی تحریف تا قیام قیامت
در حمایت ایزدی اعنی مفخر موجودات سرور کاینات محمد مصطفی و احمد
مجتبی که وانک لعلی خلق عظیم آیتی است از آیات کمالش و بعثت

نازم بنگارستان اخلاق گلی از شاخسار گلشن اصطفائش سید محمد شهنشاه رسل کل

کز جزو اندیشیش چه جزو چه کل ؛ بوده ختم سلسل فتوت بر او ؛ بهر نبوت نبوت بر او

بهر نبی که اشراف عالم گشت ؛ بو خرد در آمد مقدم گشت ؛ نعمی نعمت

پیش اندر دیگران ؛ پیشی گذشت سبقت بر دیگران ؛ لیس از جلوه برگ

سید ما چون شب خفت بند و سحر رسید ما ؛ یعنی که آخر دهر چو هر سه

در قیمتی جلوه زمشتری گل اند انبیا جمله او رنگ و بو زبانند ایشان او

گفتگوی ؛ خدائی بوده اگر کار او ؛ نماندی چنین کرم بازار او ؛ اللهم صل وسلم

علی هذا النبی و علی آله و اصحابه اجمعین اما بعد حمد و نعت میگوید بنده

مسکین وزیر الدین بن شرف الدین عاملهما الله بلطفه فی یوم الدین که

درین ایام میمنت انجام که ماه رجب المرجب سنه یکهزار و دو صد و [1270]

هفتاد هجری مطابق ماه اپریل سنه یکهزار و هشتصد و پنجاه و چهار عیسویست [1854]

بلده مستقر الخلافت اکبرآباد بمقام کتره عبد المسیح جلسه مباحثه دینی دو

روزه علی سبیل الاتصال منعقد گشت و هر دو روز جلسه مذکوره به

تشریف آوری حکام ذوی الاحتشام و علمای کرام و پادریان ذی الاحترام

رونق بود و از مباحثین در یکجانب عالم نحریر فاضل عدیم النظیر محقق لوذعی

مدقق الفیلسوف المتکلمین جامع بین شتی من آیات الله جناب مولانا و اولانا

مولوی محمد رحمت الله صاحب ادام الله فیضهم و شفا بخش مرضی نقصان

ضلالت و چاره گر مجروحان جهالت قاطع [illegible] تثلیث مشید ارکان

الاتحاد [illegible] زمان جناب داکتر محمد وزیرخان صاحب دام عنایتهم بود

و در جانب دوم زمره گستران ذوی الاقتدار پادری فندر صاحب

مصنف کتاب میزان الحق که در فضل و کمال در همه مملکت هند و هندوستان

کسی را از پادری صاحبان جسارتی خود ندیده‌اند و مجتهدان و مناظره اهل اسلام
از زمرهٔ پادریان احدی را امثال ایشان ندیده‌اند و جناب عمدهٔ علمای
مسیحیان پادری فرنچ صاحب که در عیسائیان بسی زکی مشهورند و متکلم
در هر دو مسئله یعنی در نسخ و تحریف آمده که جناب پادری فندر صاحب
این هر دو را عمده مباحثه میدانستند و بزعم خود می‌پنداشتند که هرگز
از مسلمانان جواب این ممکن نیست و بفضل الله بحکم الاسلام یعلو و لا
یعلی در هر دو مسئله الزام خوردند و بر سر مجمع عام اقرار تحریف
که اهل اسلام دعوی آن میسازند کردند و چون این عاصی خلایق در هر دو جلسه
حاضر بود تقریر جانبین را ضبط می‌نمود خواست که آن را معه خطوط جانبین
جمع نموده منقسم بسه قسم نماید قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین قسم دوم مشتمل
بر تقریر طرفین در مسئله نسخ قسم سوم مشتمل بر تقریر جانبین در مسئله
تحریف و بعد الفراغ از ضبط آن بنظر احتیاط تقریر آن مباحثه تحریریه
از ملاحظه اکثر حاضرین گذرانیده مزین بمهر و دستخط شان گردانیده
و اکنون از درگاه ایزد بیچون بتضرع فراوان و زاری بی‌پایان التجا است
که این رساله ناظرین را بانصاف افاده بخشد و خاتمه این جامع بخیر کند
و علی الله التوکل و به الاعتصام قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین خط اول
از جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحب عالی مناصب زیده
ارتفع شانهما علمای مسیحیان ذوی الاقتدار سلام منت بعد شوق ملاقات عاطفت
سمات واضح رای الطاف پیرای باد که تقریبی وارد این بلده شده
بودم و الحال از امریکه اشتغال بآن داشتم فراغت یافتم اراده دارم
که زیارت بصحبت عالی سازم و چون با این نیاز بفضل الله نسخ و تحریف

خط اول از جانب مولوی

کسی را از پادریصاحبان همتای خود نمیدانند و همتایان در مقابله اهل اسلام
از زمره پادریان احدی را امثال شان نمیدانند و جناب عمده علمای
مسیحیان پادری فرنچ صاحب که در عیسائیان بسی زکی مشهورند و گفتگو
درمیان دو مسئله یعنی در نسخ و تحریف آمد که جناب پادری فندر صاحب
این هر دو را عمده و مباحث مفیده انگاشتند و بزعم خود می پنداشتند که هرگز
از مسلمانان جواب این ممکن نیست و بفضل الله بحکم الاسلام یعلو و لا
یعلی در هر دو مسئله الزام خوردند و بر سر مجمع عام اقرار تحریف
که اهل اسلام دعوی آن میساختند کردند و چون این عاصی خلایق در هر دو جلسه
حاضر بود تقریر جانبین را ضبط می نمود خواست که آن را مع خطوط جانبین
جمع نموده سه قسم سازد قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین قسم دوم مشتمل
بر تقریر طرفین در مسئله نسخ قسم سوم مشتمل بر تقریر جانبین در مسئله
تحریف و بعد الفراغ از ضبط آن بنظر احتیاط تقریر آن مباحثه بنظر
و از پی حفظ اکثر حاضرین گذرانیده مزین بمهر و تصحیح شان گردانیده
و اکنون از درگاه ایزد بیچون متضرع فراوان و زاری بی پایان التجا است
که این رساله را ناظرین با انصاف را مفید بخشد و خاتمه این جامع بخیر کند
و علی الله التوکل و به الاعتصام قسم اول مشتمل بر خطوط جانبین خط اول
از جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحب الامناصب زیده
از مشفقان ما محمد رحمت الله مسیحای ذوی الاقتدار سلام منت بعد شوق ملاقات عاطفت
سمات واضح رای الطاف پیرای باد که تقریبی وارد این بلده شده
بودم و الحال از امر که باشتغال بدان داشتم فراغت یافتم اراده دارم
که مراجعت بصوب ... سازم و چون با این پادریان بفضل الله نسخ و تحریف

خط اول از جانب مولوی صاحب

و در کتب مقدسه و حقیت دین احمدی آنجناب را خاطرم با دله قطعیه ثابت
کرده اند یعنی رهم ضعیف هم پیرامون آن بگرده و اکثر اتفاق مطالعه کتب
مصنفه سامی یافته و جواب انها هم تحریر رانده و ذات گرامی را توجهی تام
در رد مذهب اسلامی هست و زبانی شفیق و دوی امیر الله صاحب معلوم گردید
که جناب باقتضای کمال همچو شوق مباحثه تحریری شوق مباحثه تقریری هم
دارند و برای حاضر شدنم بکوهی والای خود حکمی نیز داده بودند و
بحسب آن بمعیت مولوی صاحب موصوف حاضر انجا شده بودم مگر از
کم فهمی ملازمت سامی حاصل نشد لهذا بلحاظ امور مذکوره میخواهم
که روبروی چند اشخاص و بعض از مسیحیان و اهل اسلام مستفید از تقریر
سامی شوم و مکنونات خاطر خود را معروض خدمت عاطفت درجت
سازم و همه حاضرین را کیفیت افادات جناب اطلاعی هم رسد و
چون آن زبده کشیشان مسئله نسخ و تحریف را در تصنیفات خویش از عمده
مسائل متنازعه فیما بین مسیحیان و اهل اسلام میدانند چنانچه در مکتوب
اول از مکاتیبی که مندرج حل الاشکال اند تصریح بدان فرموده اند پس اول
مباحثه در دو امر مستطاب نسخ و تحریف و ارشاد گرامی عمدگی مسئله مذکوره
را تسلیم کرده راضی بر اینست که اولا گفتگوی در ان مسئله اید بعد ش
هر مسئله که اتفاق طرفین شود لهذا اگر منظور خاطر خطیر باشد بجواب
رقیمه نیاز از تعیین روز و تعیین مکان مطلع فرمایند که تا حین الفراغ
از مباحثه دیگر قیام اینجا سازم و دیگر نه چون کدامی امر دیگر در قیام اینجا
منظور نیست عازم دهلی شوم از راه عنایت ضرور از احد الامرین بجواب
رقیمه الانکسار مطلع فرمایند و از آلا و هام از دهلی بخدمت جناب

رسید و اغلب که رساله احسن الحدیث فی ابطال التثلیث هم رسیده باشد
و این بنده العبد نعم در عرصه قریب اول رساله اعجاز عیسوی که الحال از
تالیفش فراغتی کرده ام و در آخرش فصل سیوم باب اول میزان الحق را
هم لفظا لفظا گرفته جوابی داده ام از نظر عاطفت اثر خواهد گذشت
و بعدش ازالة الشکوک که در جواب سوالات کرانچی از عرصه طیار است
و بجهت آنکه در اکبرآباد تعویقی در طبع او افتاده بعد مراجعتم بصوب
دهلی طبع او بظهور خواهد آمد و بعدش استبشار جواب حل الاشکال
که از عرصه بعض دوستانم تحریر فرموده نزدم فرستاده بود در طبع او
هم عنقریب بظهور خواهد آمد و بعدش معدل اعوجاج المیزان جواب
میزان الحق که حواله اش در ازالة الاوهام است بملاحظه شریف خواهد گذشت
غرض جمله از کتب مذکوره هر یک بعد طبع بخدمت عاطفت در جت
خواهد رسید او تعالی ما را و جمیع بندگان خدا را توفیق حق شناسی و
سلوک راه راست عطا فرماید و از دست تعصب و دیگر امور مضره آخرت
دار باد آمین فقط محرره ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۸۰ھ مطابق ۳ نومبر
۱۸۶۳ع روز سه شنبه

خط اول کشیش فندر صاحب

جناب مولوی صاحب الاعز الانسب عالیمناقب سلامت
نامه نامی رسیده کاشف حالات گردید هر چند برای تشریف آوری گرامی
و عدم حاضری خودم در خانه و باز رفتن بجائی بتحصیل مقصود تاسفی دارم
لیکن معذورم که از سابق بر تشریف آوری مخبر نبوده ام و نه توسط
مولوی امیر الله صاحب بطلب سامی ارکوتهی خودم پیغامی داده باشم
مگر در جواب چند مطالب مندرجه مولوی صاحب موصوف این کلمه را نام

[illegible]

رفته که اگر مباحثه علانیه میخواهند پیش از آن با بنده ملاقات کنند
علمی کرده باشم چنانکه آنجناب مینگارند بالجمله از مضمون نامه
جناب مفهوم شد که مباحثه علانیه در مجمع اشخاص فریقین منعقد و منظور
دارند بنده اگرچه این طریقه را چندان مفید نمیدانم مگر از امتثال
سامی بیرون نیستم درباره تعیین روز و وقت از دو سه صاحبان
مشوره نموده اول بآنجناب اطلاع خواهم داد من بعد انعقاد جلسه
مباحثه بوقوع خواهد آمد و مصلحت چنانست که در مباحثه این
قاعده مرعی و این دو سه امور ملحوظ باشد اولا درخواست سامی
درباره نسخ و تحریف گفتگوی بمیان آید ثانیا از امر متنازع فیه با
گفتگو کرده آید ثالثا در میان گفتگوی امری دیگر امر خارج از بحث
بمیان نیارند رابعا در مجلس مباحثه کسی از صاحبان بطور منصف
شود که در محاوره انگشت اعتراض نهند تا جلسه مباحثه از
شایستگی و تهذیب و انتظام معرا نباشند فقط الراقم

[illegible] بتاریخ ۲۲ [illegible]

خط دوم از جانب مولوی صاحب محرره ۲۲ جمادی الاخری ۱۲۷۰ هجری
مطابق ۲۳ مارچ سنه ۱۸۵۴ عیسوی روز جمعه
جناب پادری صاحب والا مناقب زید لطفه [illegible] نامدار [illegible]
[illegible] الاقتدار سلامت عنایت نامه عاطفت شمامه مشتمل
بر منظوری مباحثه علانیه و وعده اطلاع از تعیین روز و وقت آن

بعد شنیده و از وجه نمایان استدعای قرار ملت ... امروز وقت
مباحثه با معمول الطاف شمول فرموده ستمنام ... امر موافق مطلب
مرجوع که انجناب بعد شنود اطلاع خواهند فرمود و چون امر اول تعیین
سامی از پیشتر منظور بود و امر سوم اگر فی الحقیقت موافق طرز ... باشد
بنا محمود است الحال بکمال رضا قبول کرده شد و امر دوم قدری توضیح
است لهذا مستکشف که انجناب اول توضیح مراد خویش ازین فقره تا ... امر که
مختار طرفین باشد گفتگو کرده اند فرمایند که بعدش بر پذیرایی آن اقدام رود
و حال امر چهارم آنکه غالبا مراد جناب از لفظ صاحبان صاحبان عالیشان
انگلش باشند و بنده که درینجا مسافر و غریب است تجدید نسبت کسی از ایشان
نیازی ندارد که رضای خود بر آن ظاهر سازد و اگر کسی را از اهل اسلام قرار
دهد غالب که منظور رای مبارک نباشد علاوه ازین چون گفتگوی در مسئله
عظیمه قرار یافته درین صورت منصف عیسائی باشد یا محمدی بهمت
طرفداری او از دل خلایق نخواهد برخاست لهذا میخواهم که این امر
مشروط نباشد و حاجت شرط هم نیست زیرا که خود ازان مجالس اهل علم ام
خواهند بود و انشاء الله تعالی آن جلسه خالی از شایستگی و انتظام نخواهد بود و
چون بیان شد از الفاظ انگریزی کم واقف است اتفاق جوابهای کتاب
و مشاهده عبارات هم بجانبین خواهد افتاد لهذا هم درین امر ... اگر ...
خالص جهت ... خواهند باشد در صورت یک کس دیگر شایسته این امر انجناب برای
خود تجویز فرمایند و ... انجام گفتگوی این امر محفوظ ماند که سوای این چهار کس یعنی جناب
و شخصی شریک جناب برای امر مذکور بوده و بیان شده و اگر صاحب ... عیسی علی
در گفتگوی ... دل خود ... والسلام ... زیاده

خط دوم از جانب پادری صاحبان بجناب مولوی صاحب عالی مناقب

عالیجناب سلامت نامه نامی بجواب نیازنامه ام رسیده موجب
حالات گردید مضامین مندرجه صورت استحسان پذیرفت بنده برین
امر رضا شده ام که از جانبین دو دو کس دخیل مباحثه باشند چون فندر صاحب اگر
نباشند باشند پس لطف سامی بودن داکتر صاحب قبول و منظور
و بطرف خودم پادری فرنچ صاحب جلیس تجویز کرده ام مگر پادری صاحب
موصوف امروز بر رسم تبدیل هوا بعلیگده وغیره تشریف میبرد و
بعد دو هفته باز خواهد آمد تا آمدنش مباحثه ملتوی باشد هرگاه که پادری صاحب
باز خواهد آمد ان شاء الله تعالی باز مباحثه منعقد خواهد گردید و آنجا که
هنگام انعقاد و هیچ جانب چنانکه عادت است اکثر شایقین و سامعین
مجتمع میشوند پس از جانبین صاحبانی و شنیدهایی که حاضر وقت خواهند
بود کسی را در مباحثه دخل نمی تواند شد مگر سخنی یا لفظی منافی
و لائق [illegible] کسی نگذرد اظهار و عرض کردن ممنوع نخواهد بود
دخل در مباحثه که تنها دو دو کسان مقرره منحصر خواهد ماند فقط

[illegible]

خط سیوم از جانب مولوی صاحب بجناب پادری صاحبان عالیشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کاشف ما فیها گشت آنچه ما نوشته ایم در اینجا بصیغه سابق فرمایش رسیده و در باب
تمام شرح خود رسیده اند و در قسمیه خط سابق مشتمل تصحیح مراد و مسائل از شرطها دو مین تحقیق بود
دانستن شرطی که قلم عالم الفت قرار یافته انما الحال معتمد بر مسائل قرآن نیز فن خطاب
سابق بود و بنده نوشته ام که شرط مردوار دو اول آنکه سوای دو هفته مهلت که در آنجا بجواب
الطف نیاد و مهلت بپذیرانند و دیگر مهلتی مطلوب نشود و دوم آنکه نیاز نشد مراد
گرامی از شرطها دوم مشترک جا اطلاع باید که بعد تشریف پذیرائی آن لیب کتاب
سیوم آنکه در بین دو هفته سه چهار روز پیشتر از انعقاد مجلس مباحثه از تعیین مکان و تاریخ
ان مطلع گردد و السلام علی من اتبع الهدی محرره ۲۹ جمادی الاولی سنه ۱۲۷۰ مطابق ۲۶
سنه ۱۸۵۴ع روز دوشنبه خط سیوم از طرف پادری صاحب
بنام مولوی صاحب عالیجناب بعد السلام و ملاقات بالفعل نامه رسید موضع مباحثه گردید
انشاء الله تعالی وقت تشریف آوری در تاریخ از دو هفته تجاوز نخواهد بود و این بنده نیز
در دل اراده دارد که پادری فرنچ صاحب موصوف تشریف خواهد آورد و آنجناب را
اطلاع خواهم داد و مقام این جلسه در کثره مکانی که مسافت دارد خواهد بود نیست
قرار خواهد یافت و وقت جلسه از طلوع الصباح از شش و نیم تا ده و نیم خواهد بود
چرا که صاحب حاکم اگر زیاده بر این مجلس نشست نتوانند بود و همین روز دوم
تعیین روز و وقت تشریف آوری حسب اتفاق صاحب اطلاع خواهم کرد و تصحیح
شرطها دوم است که انشاء الله دو اثنای مباحثه که در خطوط ولیس خود کرده اند که
بعد مباحثه نسخ و تحریف مسائلی که اتفاق طرفین باشد گفتگو کرده آید قانون
و دستور قرار داده بخط خود نوشته ام که اول مباحثه از نسخ و تحریف تعیین
که محاوره بنفس کرده خواهد شد و میخواهم که مباحثه و
اسلام کرده شود که جناب عالی رسالت

خط سیوم از طرف پادری صاحب

[illegible]

خط چهارم از جانب مسیو ... صاحب . جناب ... در بصیرت ... ذکر نشان ... علمای عمده
مسیحی ذوالاقتدار سلاطین ... نامه عطوفت آگین متضمن اینکه مدت مهلت
دو هفته تجاوز نخواهد کرد و مقام جلسه گره مکانی که سابقا در آن مدرسه
بوده است قرار خواهد یافت و وقت جلسه علی الصباح از شش ... زده تا هشت
خواهد بود بعد دیگر ... نزول لطف شمول فرموده موضح فیما گشت که سه فقره
خواهش فقره اولین ... فوز بحصول پیوست و مضمون فقره دوم هم
پذیرا گردیده مگر از پذیرائی فقره سیم به دو جهت عذر است اول آنکه ظاهرا بحث
در جلسه مذکوره فقط ... تشریف خواهند آورد و در صورت در عرصه یک ...
که از آنهم قریب نصف گذشته بانتظاری مردم و مانند آن ضایع خواهد گشت ...
نصف نخواهد گشت چه جای مسئله عظیمه که مباحثه در آن منظور سامی است دوم آنکه جناب
بود که در این مباحثه خواه نخواه محتاج اعانت و شرکت جناب داکتر صاحب خاصه
با هم و جناب ممدوح شوق مباحثه هم چندان ندارند لیکن چون در این شهر انگلیسی
انگریزیدان دیگر سوای ... شان تعارف هم ... حاصل نیست و حاجت حواله و تصحیح
نقل در مناظره ناگزیر است لهذا ... ضرورت داکتر صاحب ممدوح را چاره ناچار ...
خود کردم و ایشان را در آن وقت از کار ... فرصت نیست بنا علیه گذارش
مینمایم که چون همت والای ... برای همچو امور توجه دارند و در این اوقات ...
... بصاحبان ... اند از برای احقاق حق ضرور این امر را بقبول خاطر
... اول آنکه وقت مباحثه وسعت پذیرد و ملاحظه سامعین در آن ...
نماند بلکه ... قدر ملاحظه شان باشد که هر کس ... قدر

... از جانب ... صاحب [illegible]

که خواهند نشنید و وقتی که خواهند رد دو آنجناب قبل از تصفیه زنجیر خود و مشار الیه نمایم
صد کس از عیسایان و اهل اسلام و خود تا آخر جلسه در آنجا خواهند ماند که بعضی
امرا و ذوالاقتدار آنشه نفی زنند و اگر دیگر و آنقدر مشقت نکو رای ضمیر گرامی
خانه در النصور تا تصفیه مسایل کوره بعد یک و نیم گذشته هر روز مقرر گذشته
دوم اینکه جلسه کوره در روز یکشنبه بعد نواخت ده گذشته قرار یابد زیرا که در آن روز
منصفین مسکار و ذوالاقتدار را فرصتی و در آن وقت یعنی نواخت ده گذشته اصحاب
را از عبادت معمول آن روز و هم جناب اکرم صاحب را از کار [illegible] و جمیع [illegible]
چه صاحبان عالیشان و چه رعیبان شهر از جانب اهل طعام هم فراغتی
خواهد بود و اگر در روز یکشنبه عذری باشد بجای آن در روز دیگر بعد نواخت
ده گذشته تقرر یابد زیاده نیاز محرره ۲۹ جمادی الاخری سنه ۱۲[illegible] مطابق ۲[illegible]
تاریخ [illegible] روز سه شنبه خط چهارم از طرف پادری صاحب
جناب [illegible] صاحب جلیل المناقب [illegible] نامه گرامی رسیده که [illegible] دعا
گردید [illegible] فقره [illegible] بنده بقلم داده اند تا خاطر [illegible]
[illegible] گمان برده اند که بنده در جلسه مقرره صرف یکروز حاضر خواهم
[illegible] مسایل [illegible] نخواهند شد حاضر
خواهم [illegible] از برای تصفیه [illegible] ضرورت خواهد افتاد
[illegible] وقت [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کرده اند [illegible] و هر روز [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] از طرف پادری صاحب

۱۲۵۵ ه

کرده اطلاع خواهم داد فقط الراقم بنده کمترین ... مرقوم ۲ ماه ج

دستخط انگریزی در پایان خط خط بجهم از جانب مولوی صاحب

جناب پادری صاحب زبده کشیشان مدار عمده علمای مسیحیان ذو الاقتدار سلامت

عنایت نامه عطوفت آگین متضمن منظور نمودن تبدیل وقت و منعقد داران مجمع و

مباحثه بروز یکشنبه و عزم نمودن تشریف آوری فوز علی التواتر در جلسه ملاقات در هفته

ورود یافته رسید توضیح آن فهم نمود و تعجبی بخاطر فاتر افزود و ظاهر اغناب از گفتگو

زبانی گریز مینمایند که در وقت وسعت می افزایند و به تبدیل آن سعی مینمایند و در خاطر

خاطر خطیر گردد که باوجود یکه ساختم و در اقامت آنجا غیر مرجح خود میدانم محض بمجاز

درخواست گرامی مهلت دو هفته بعد رخصت پادری فرنچ صاحب شریک ساعی

پذیرا کردم و آنجناب با وجود یکه جناب اکثر صاحب شریک اهتمام در وقت

سطور بجهت کار استقبال عذر قوت تبدیل وقت مینمایند و این عذر که

صاحبان انگلش بار رای بیجا نمو مناسب تر از آن وقتی نیست عذر لیست ضعیف

زیرا که اگر بتقدیر بعض صاحبان عالیشان انگلش تشریف نیارند تاهم صد کس از

مسلمانان و اهل اسلام شریک جلسه کوره خواهند گشت و تشریف آوری صاحبان

عالیشان انگلش مدار و موقوف علیه گفتگو نیست و اگر در ایام ما تشریف آوری

صاحبان عظیم الشیم ... است اغلب که بعد غروب آفتاب صاحبان معظم الیهم ... دم

وقت ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۴

و در هر بار گفتگو به محل خود منقطع نموده‌اند و در بار دیگر اعاده گفتگوی بار سابق نگردد
خواهد افتاد و مدتی طویل که جهت مسافت متحمل آن شدن نمی‌توانم و در کار خواهد
گشت لهذا عرض می‌پردازم که مسافرنوازی فرموده از طلوع صبح تا نواخت ده
گفته شده و تمام روز باقی و همه شب وقتیکه مناسب دانند مقرر فرمایند که مواجب
وقت مذکور در تمام باقی روز و تمام شب حاضرم و نوعی عذر ندارم و تا ملاقی شدن
مسائل شمار ... تشریف ... از ما گفتگوی سطور زودی در چند روز
بانجام رسد و درین چند روز اگر جمعیتی به ذات مجمع الحسنات خواهد افتاد که در همچو امور اتفاق
محبت برداشتن از اخلاق حمیده و اوضاع پادریان خصوصاً آن زبده کشیشان
بعید نیست و اگر عذری عرض بدرجه اجابت رسد و بالضرور باین جواب ... را
عرضه آخرین تصور فرموده در جواب این فرد و قبل از نماز جمعه شما ... اطلاع
که بعد اطلاع آن ازین امر ... اگر اتفاق افتد بعد ادای نماز جمعه در روز
آن روز شنبه عازم دهلی شوم و عبث اوقات خود را در غفلت گذرانم زیاده نیاز
بتاریخ ۳ مارچ سنه ۱۸۵۴ع مطابق ۳ جمادی الاخر سنه ۱۲۷۰ هجری روز جمعه

بجواب خط ...

خط پنجم از طرف پادری صاحب جناب مولوی صاحب والا مناقب عالیجناب
سلامت نامه سامی رسیده کاشف حالات گردید در امر مباحثه که لفظ گزارش نمودن
منظور کرده اند منافی طرز تحریر ارباب تهذیب است اما چه مانع است که روز دیگر
امور متعلقه مباحثه که ... عدم قبول اقتضای
خود ... مگر این لفظ ... نخواهم ... داد و جهت تعیین
وقت مباحثه از ابتدای ... از روز یا از شروع شام که نوشته اند
بخصوص ... تحریر جواب خواهم پرداخت
و هم ... خود نوشته ام که بعد مباحثه نسخ و تحریف ارا[ده]

دو

دلایل اثبات رسالت پیغمبر خود بیان بکنند سامی جنابان دین آن را منظور نظر فرمایند

هیچ نوشته ام اگر نپسندند بهتر است فقط راقم بنده کشیش فندر صاحب مرقوم ۳۰

مارچ سنه ۱۸۵۴ ام دستخط انگریزی با پایان خط الفضائل خط ششم از جناب

پادری فندر صاحب بفضائل مآب عالمان جناب والا مناقب سامی صفات در جواب نامه که وی بجواب

نامه سامی فرستاده ام وعده کرده بودم که درباره وقت بمشوره انتخاب یک دو

صاحبان مشوره کرده جواب خواهم داد بر طبق آن امروز باید که در خصوص اصطلاح کرده

شده نسخ ندانسته و در خصوص وقت مباحثه همان میتواند بود که سابقا نوشته ام یعنی بعد

الصباح از شش تا نیم روز ده تا هشت گرد از انجا که سامی جناب در وقت مذکوره عدم

داکتر صاحب بیان میکنند نظر بران استجازت از داکتر باری صاحب ضرور دانسته

هم امروز با داکتر صاحب موصوف در خوردم و از رای داکتر محمد وزیر خان صاحب اجازت

رفتن در جلسه مباحثه بوقت صبح درخواستم صاحب موصوف فرمود که با او را اجازت خواهم داد

دیروز مباحثه غیر حاضر لیکن در استعمال معاف خواهد بود پس اکنون در باب وقت عذر

سامی باقی نماند اطلاع نگارش یافت و بجواب مراسله دیروزه خود منتظرم لیکن که

واین هردو را جواب عنایت شود فقط راقم بنده کشیش فندر صاحب ۳۱ مارچ سنه ۱۸۵۴ ام

دستخط انگریزی در پایان خط جناب در جواب زبده کشیشان نامدار عماد علی مسیحی والا قدر

نوشته و نقل عنایت نامه عالی لطف آگین متضمن تجدید عاری وقوع مباحثه در نبوت حضرت

خیر البشر بعد انفراغ از مباحثه نسخ و تحریف و تثلیث نبودن تبدیل وقت مباحثه

در ایام ... و نظر بران حاصل کردن اجازت از جناب داکتر باری صاحب برای جناب

داکتر محمد وزیر خان صاحب بنزول عواطف شمول فرموده کاشف حالات گشته

بسمع رسانیدند با چون بعد مسئله نسخ و تحریف در مسئله تثلیث و نبوت حضرت خیر البشر

بعضی مسائل متنازعه اهل اسلام و عیسائیان نزاع ابدا نمود و اهل اسلام

خط ششم
از جناب پادری
فندر صاحب

خط هفتم
از جانب
... صاحب

انکار اول و تسلیم دوم را و عیسائیان عکس آن را واجب می انگارند و آن بدو گشتنان میم
در بعض تالیفات خویش انکار تثلیث را دلیلی از دلائل ابطال نبوت آنحضرت
میگارند پس از جهت مسئله تثلیث در رای گرامی بمنزله مدار مسئله ابطال نبوت
لهذا در رای سامی جناب مستطاب مینماید که بعد الفراغ از مباحثه مسئله تثلیث نوبت
اولا مباحثه در مسئله تثلیث و ثانیا در نبوت حضرت خیر البشر صلعم کرده اید و اگر چه وجه
عدم استحقاق تبدیل وقت برای استفهام بخوبی معلوم است مگر چون سماحت آنجناب
اجازت برای جناب داکتر محمد وزیر خان صاحب بظهور آمد در خواست سامی برضا
پذیرا کرده شد الحال ان شاء الله روزهای انعقاد جلسه بحاله خود وقت جاری شده خواهم ماند که بحسب
خوشنودی ۳ مارچ تا طی شدن مسائل متنازعه جناب سامی امروزه سوای روز یکشنبه
در جلسه مباحثه تشریف آوری ضروری می نماید و البته در روز مسطور رواداری تکلیف
بذات والاصفات نخواهم شد و اگر از جانب سامی در تشریف آوری هر روزه سوای
یکشنبه عذری بمیان نخواهد آمد هرگز از جانب مستفهم هم عذری نخواهد شد و محض
جهت مسافت برای اجابت شرط نکو ربار بار تصدیع نمی دهد زیاده نیاز فقط
محرره یکم اپریل سنه ۱۸۵۴ع مطابق دوم ماه رجب سنه ۱۲۷۰ هجری [illegible] باد رلید با
جناب مولوی صاحب دام الاشفاق عالیمنا صحت ملاحظه نامه سامی متضمن جواب نیازنامه
ام رسیده کاشف حالات گردید در باره تقدم مباحثه تثلیث بر نبوت پیغمبر اسلام
در نیاز نامه بر عرض در کی نوشته اند اگر چه حق آن بود که هرگاه امور مجوزه سامی
جناب مسلم التقدم داشته ام اگر دوم جناب هم امری را که من قرار داده لعدم
امور مجوزه سامی نوبت آن تجویز کرده ام از محل ترجیحش تغییر و تبدیل نکنند
لیکن از اینجا که مراد از مباحثه در تثلیث نوعی غرض است تقدم بحث مذکور بر بحث
نبوت هیچ ضرورتی قوی است که جناب مستفهم مباحثه در نبوت مقدم بوده وجه

جواب عریضه از طرف [illegible]

کما ینبغی مصروف این کار دارند و از حاضر بودنم هر روز در جلسهٔ مباحثه که گذشته
شده معاف افتادم در جواب نگاشتهای مکتوبه ۳ مارچ انجام داده ام که هر روز حاضر شدن
مرا دو کم صاحبان [illegible] ممکن نیست مگر در هفته دو روز تا دو سه روز از برای جلسهٔ مباحثه مقرر کرده
خواهد شد و آن بر تشریف آوری پادری فرنچ صاحب منحصر [illegible] جناب است که در اول هفته
زیاده از دو روز در جلسه منعقد نشود زیرا که در آن هفته بوجه مصلحت [illegible] هفته ها
ما بعد غالبا هفته چهار روز از هر هفته مامور این کار خواهد بود فقط الراقم بنده [illegible]
فنڈر صاحب مرقوم ۳ اپریل سنه ۵۴ء و در پایان خط دستخط انگریزی خط منشی

از جانب مولوی صاحب جناب پادری صاحب والا مناقب زید [illegible] نامه از
عمده علمای مسیحی و الاقدار ارسال عنایت نامه عطوفت آگین متضمن مقبول بودن
تقدیم بحث تثلیث بر بحث نبوت بدین شرط که بهتمام اهتمام مباحثه در
توجه کمال منشی مصروف داشته و مظنون بودن تشریف آوری سامی در هفته اول
دو بار بعد روز دوم [illegible] بحث جناب مسیح در آن هفته و در هفته های بعد سه یا چهار بار
نزول عاطفت شمول فرمود کاشف مضمون گردید عاطفت فرمایا بر اهتمام مباحثه بشرط
سامی قبول کرده و ان شاء الله بعد انفراغ از مباحثه تثلیث مباحثه در نبوت جناب ارسال
وجهی مصروف خواهد داشت و تا جائیکه از جانب سامی عذری بوقوع نیاید عذر نخواهد
ساخت مگر چون در طی شدن چهار مسائل مرقومه کار دشوار ساخت در هفته
اول غیر دو روز الا نپذیرفته [illegible] آنچنان [illegible] اگر هر روز تشریف آوری سامی صورت
نبندد در هفته های بعد کم از چهار روز برای این کار مقرر نشود زیاده شاید
تحریر بتاریخ ۴ [illegible] ماه اپریل سنه ۱۸۵۴ء خط منشی از جانب پادری صاحب

جناب مولوی صاحب الامناقب عالی شأن سلامت امروز کتاب ازالة الاوهام
مولف سامی از مطالعه ام بود که در آخر صفحه پنجاه دیدم این فقره دیدم انچه پادری

جواب از جانب مولوی صاحب

جواب از جانب پادری صاحب بمنشی

فاندر صاحب در حل الاشکال می نگارد که از کدامی بت پرستی بظهور یافته و افزاید صاحب

افادات است • چون بنده را یاد نیست که چنین نوشته باشم و مسائلی جناب پادری تالیف

خود حواله صفحه حل الاشکال نکرده اند که دیده می شد در خصوص از عنایت گرامی

امید دارم که بنده به صفحه حل الاشکال بچنین نوشته ام قلمی فرمایند فقط الراقم

بنده کمترین فاندر صاحب ۵ اپریل ۱۸۵۴ع و دستخط انگریزی با این خط خط هاشمی از

جانب مولوی صاحب جناب پادری صاحب والا مناصب بنده کمترین شان مدار عمده

علمای مسیحی ذو الاقتدار سلامت عنایت نامه عاطفت شمامه نزول عاطفت شمول فرمود

موضح بالفیاء شد که منظور باید چون چهار مسائل که فی الواقع اشهر جمیع مسائل متنازعه

فیما بین اهل اسلام و مسیحیان اند مباحثه بالمشافهه قرار یافته لهذا میخواهم که تا طی

شدن آنها در ماسوای آنها که محض اجنبی است مباحثه تحریری رو ندهد علاوه اول طی

شدن آنها ملحوظ خاطر چنین باشد […] از این امر استماع نیست که اگر کسی از جانبین

در تالیفات جانب مقابل نحو کدامی جا از متعلقات چهار مسائل مسطوره بر خورد

قابل الاستفسار مطلع شده باشد بلا تامل آن را بر وقت مباحثه بالمشافهه در ضمن

بحث آن مسئله که از مذکوره متعلق اوست پیش نماید و جواب آن بلا دغدغه برذمه

جانب مقابل واجب خواهد بود و بعد طی مسائل مسطوره اگر احتیاج امور دیگر تحریراً یا

بالتقریر استفسار خواسته فرمود بلا عذر بالسمع والطاعه و کمال رضا شنیده حسب

استطاعت خود جواب خواهم داد و هر چه قابل الاستکشاف از جناب می خواهم

دانست منکشف آن خواهم کرد • ۱۰ شهر جمادی الاول ۱۲۷۰ هجری مطابق

دهم اپریل ۱۸۵۴ع روز دو شنبه خط هاشمی از طرف پادری صاحب جناب مولوی صاحب

عالیشان والا مناقب سلامت دیشب رقعه […] فرستاده آورده

وجه مباحثه روز دو شنبه و سه شنبه دهم و یازدهم اپریل وقت مقرر شده […]

خط هاشمی از جناب مولوی صاحب

خط هاشمی از طرف پادری صاحب

بمکان مخزن هر دو روز بلا فصل قرار یافته و بعد از آن هفته بوجهی که سابقاً عرضه داده‌ام در علم [illegible]
خواهد بود و انعقاد جلسه هفته ثانی صورت خواهد بست اطلاعاً قلمی شده و گفتگوی
مسایل متنازعه فیها بدین ترتیب خواهد بود که اولاً چنانکه مقصود سامی است
نسخ و تحریف و الوهیت و تثلیث انجناب معترض و بنده مجیب بعد بر نبوت پیغمبر اسلام
بنده معترض و انجناب مجیب خواهند بود و قضاء دیگر نیاز نامه که باستفسار بنده صفحه
حل الاشکال فرستاده بودم مگر مضمونش محمول بر معانی غیر مقصوده‌ام شده که جوابش
بطرز دیگر عنایت گردیده سبب اصلی حقیقتش غیر ازین نیست که بنده از چندی کتاب
ازالة الاوهام را بنیت مطالعه دارم امروز که فقره معلومه در آن مندرج دیدم هرچند غور
کردم یادم نیامد که در حل الاشکال جناب محرر شده باشم لاکن تکلف باستفسار آن پرداختم
تا ببینم که چه نوشته‌ام حالا که در اثنای نوشتن مباحثه مذکوره از آن مقصودی غرضی بوده
باشد بنده راضی و خوشنودم که هنگام مباحثه بر مراد یکی از امور مرقومه
کتب و الهامی اعتراضی ایرادی داشته باشند از ایشان کنند لیکن آن امر را
با مسایل متنازعه فیها تعلقی و مناسبتی باشد چنانکه سامی جناب در نامه خود نوشته‌اند
الراقم بنده کشیش فندر صاحب مرقومه هفتم اپریل ۱۸۵۴ع و دستخط انگریزی پادری صاحب
خط جوابی از جانب مولوی صاحب. جناب پادری صاحب والاشان زید لطفکم
بعد از ادای مراسم مسنون واضح رای سامی باد عنایت نامه ملاطفت شمامه متضمن تعیین
جلسه مباحثه بروز دوشنبه و سه‌شنبه دهم و یازدهم اپریل علی التواتر بوقت
صبح و مکان مجوزه دیگر مشعر ملاطفت نزول نموده کاشف ما فیها شد
عطوفت فرمایان الاشتیاق در روزهای مسطوره علی التوالی در وقت مذکور بمکان
معلوم حاضر خواهم شد و بر طبق تحریر سامی ترتیب داده در هر چهار مسایل گفتگوی
بعمل خواهد آمد زیاده بجز محرره ۹ رجب المرجب ۱۲۷۰ هجری مطابق ۸ اپریل ۱۸۵۴ع روز شنبه

از جانب مولوی صاحب

فصل دوم در نسخ جلسه اول

فصل دوم در نسخ روز دوشنبه تاریخ یازدهم رجب سنه ۱۲۷۰ یکهزار و دو صد و هفتاد هجری

وقت صبح مطابق دهم اپریل سنه ۱۸۵۴ یکهزار و هشتصد و پنجاه و چهار عیسوی جلسه اول

مباحثه قرار یافت و در آن جلسه جناب اسمته صاحب بهادر حاکم صدر دیوانی

و جناب کریسچن صاحب بهادر سکرتر صدر بورد و جناب ولیم صاحب بهادر مجسٹریٹ علاقه

فوج و جناب لیدل صاحب بهادر و جناب گنیش ولیم گلبن صاحب و جناب مفتی

ریاض الدین صاحب و جناب مولوی فیض احمد صاحب سررشته دار صدر بورد و جناب مولوی

خادم احمد صاحب و جناب مولوی امیر الله صاحب مختار کار راجه صاحب بنارس و جناب مولوی قمر الاسلام

صاحب امام مسجد جامع اکبرآباد و جناب منشی خادم علی صاحب مهتمم مطبع الاخبار و جناب مولوی

سراج الحق صاحب ... حاضر بودند و دیگر کسان هم از اهل اسلام و عیسائیان و هنود

قریب پانصد ششصد کس حاضر بودند اول پادری فنڈر صاحب برخاسته باواز بلند فرمودند

که باید دانست که این مباحثه از آنجهت منعقد شده که مولوی صاحب مستدعی انعقاد

آن شده بودند گو مرا و مشنیدان فایده نبود لیکن بحسب استدعای ایشان قبول کردم

و خواهشم که دلائل حقیت دین عیسوی پیش اهل اسلام نمایم و مباحثه در نسخ و تحریف

و الوهیت جناب مسیح و تثلیث که در رساله مجالس و حقیقت قرآن خواهد شد بدین طور که در جانب

مسئله النسخ مجیب مولوی صاحب ... و ... مولوی صاحب ... خواهند شد و باز در ...

بعد ارشاد این کلمات شنیده پادری صاحب از فصل دوم باب اول میزان

الحق این عبارت چنین کرده اول اینکه درین باب قرآن و مفسران آن ادعا میکنند

که جناب مسیح ... زبور و توریت و بعثت ظهور انجیل زبور منسوخ گشته همچنین

انجیل بسبب قرآن منسوخ گردیده است دوم اینکه پس از ... اجماعی

... محمدی ... که ... زبور ناسخ توریت است و انجیل ناسخ زبور

انتهی ... جناب ... مولوی ... قرآن و مفسران قرآن ...

حالانکه در قرآن کدامی جا اینچنین مذکور نشده و نه در تفسیری از تفاسیر بلکه عکس آن آورده‌اند
در سوره بقره یعنی و لقد آتینا موسی الکتاب الآیة در تفسیر عزیزی چنین مرقوم است در قفا
آوردیم بعد از حضرت موسی رسولان را از حضرت یوشع و حضرت الیاس و حضرت الیسع و
و حضرت شمویل و حضرت داود و حضرت سلیمان و حضرت شعیا و حضرت ارمیا و حضرت
یونس و حضرت عزیر و حضرت حزقیل و حضرت زکریا و حضرت یحیی علیهم السلام و غیر ایشان چهار
کس بوده‌اند همه ایشان بر شریعت حضرت موسی عم گذشتند و مقصود از فرستادن ایشان
جاری کردن احکام آن شریعت بود که بسبب تکاسل و تهاون بنی اسرائیل مندرس می‌شد
و بسبب تحریفات علمای سوء ایشان متغیر و متبدل می‌گشت انتهی و در ذیل تفسیر آیه که نصه
و نصه دیگر سوره نساء در ذیل این قول خدا و آتینا داود زبورا ۱۶۱ در تفسیر حسینی چنین مرقوم است
و عطا کردیم داود را کتابی که نام او زبور بود مشتمل بر حمد و ثنای الهی و خالی از اوامر و
نواهی بلکه شریعت داود هم همان شریعت توریت بود انتهی و همچنین در دیگر کتب
اسلامیه مصرح است پادری صاحب فرموده که شما انجیل را منسوخ میگوئید مولوی صاحب فرمودند
که علماء شما انجیل را بمعنی که الفاظ رشته تبدیل خواهد آمد منسوخ میدانیم مگر این دعوی جناب
در هر دو جا غلط است پادری صاحب گفتند که از مسلمانان گفتگوی او شنیدن کرده‌ام
شنیده‌ام مولوی صاحب فرمودند که از انصاف سامی تعجب است که از کسی مسلمان شنیده نسبت
بقرآن و تفاسیر قرار میدهند حال آنکه غلطی این سخن ثابت است پادری صاحب فرمودند غیر مولوی صاحب
ارشاد فرمودند که آنجناب معنی نسخ را که مصطلح اهل اسلام اند و معلوم آن را جایی در
کتب تحقیق نکرده باشند پادری صاحب فرمودند که شما بیان کنید مولوی صاحب فرمودند که نسخ در اصطلاح فقها
در اوامر و نواهی می‌آید نه در اخبار چنانچه در تفسیر معالم التنزیل مذکور است والنسخ انما یعترض علی
الاوامر والنواهی دون الاخبار انتهی پس در قصص و اخبار هرگز قائل نسخ نیستیم و همچنین در
امور قطعیه عقلیه مثل آنکه خدا موجود است و در امور حسیه مثل ضوء نهار و ظلمت شب

قابل نسخ نیستیم دوم اوامر و نواهی هم تفصیل است زیرا که در انها هم شرط است که
متعلق حکم علی محتمل الوجود والعدم باشند پس در حکمی که واجب باشد مثل ایمان
بالله یا ممتنع مثل شرک بالله قابل نسخ نیستیم و آن حکم علی محتمل الوجود والعدم
نیز دو قسم است دائمی مثل قول او تعالی و لا تقبلوا لهم شهادة ابدا و درین قسم قائل
نسخ نیستیم و غیر دائمی باز غیر دائمی دو قسم است موقت مثل قول او تعالی فاعفوا
واصفحوا حتی یاتی الله بامره و درین هم قبل از وقت معین او مجوز نسخ نیستیم و غیر
موقت یعنی مطلق و درین قائل نسخ ایم بدین طور که در علم الهی مقرر بود که این حکم
تا آن وقت خواهد ماند مگر بیان آن وقت در آن حکم نشده بود چون وقت آن در رسید
در دیگر حکم خدا که در ظاهر نزد ما مخالف است بیان آن کرد پس ازین حکم دیگر نزد
مردم قاصر العلم تبدیل حکم اول شده و در حقیقت به نسبت او تعالی بیان مدت
حکم اول است و مثالش بالتشبیه چنین که امیری شخصی را فرماید که این کار کرده باشی
مگر بظاهر تعیین مدت نکرده و در دل خود قرار داده که یکسال ازو خدمت خواهم
کنانید و چون یکسال گذشت او را ازان خدمت موقوف کرد پس بظاهر نزد
آن شخص تبدیل است و در نفس الامر به نسبت آن امیر تبدیل نیست یا مثالش اینکه در موسم
گرما از پیشگاه حکام برای حضور مردم متعلقین کچهری ها بوقت صبح حکم صادر میگردد
و پیشنهاد آن حکام نیت فرموده که این حکم همین میباشد که تا موسم مذکور این چنین خواهد
گو بظاهر تصریح نفرمایند پس بعد انقضای آن موسم وقتی که حکم مخالف آن صادر شد
آن حکم دوم در حقیقت تغیر و تبدیل حکم اول نیست بلکه بیان مدت آن حکم اول است پس
بسبب تقریر مسطور نسخ مصطلح اهل اسلام عبارت است از بیان مدت انتهای حکم
عملی شرعی مطلق که محتمل الوجود والعدم باشد و بحسب وهمهای استمرار مفهوم شده
باشد [illegible] ز سود ند که با همین که ام کدام حکم انجیل ز دستها منسوخ است مولوی صاحب

فرمودند که مثل حکم عدم جواز طلاق و مانند آن پادری صاحب فرمودند که آیا نزد مسلمانان
انجیل منسوخ نیست مولوی صاحب فرمودند که بامعنی تمام انجیل منسوخ نیست بلکه بعض حکم
زیرا که در آن این حکم هم هست باب ۱۲ مرقس ۳۰ پس آن خداوند را که خدای
تست بهمگی دل و همگی جان و همگی خیال و همگی توانائی خود دوست دار حکم نخستین
این است ۳۰ و حکم دوم که مثل اینست اینست که همسایه خود را چون خود
دوست دار و بزرگتر ازین دو حکمی نیست انتهی و اما این حکم را منسوخ نمیگوئیم پادری صاحب
فرمود که انجیل منسوخ شدن نمی تواند زیرا که قول جناب مسیح در درس ۳۳
باب ۲۱ لوقا چنین مرقوم است آسمان و زمین خواهد گذشت و لیکن نخواهد گذشت
سخنان من داکتر محمد وزیرخان صاحب فرمودند که این عام نیست بلکه درباره
پیشین گوئی است که جناب مسیح قبل آن درس ذکر او فرموده و معنی آن اینست که اگر
بالفرض آسمان و زمین زایل شوند سخنان من بابت این پیشین گوئی زایل
نخواهند شد پادری صاحب فرمود که نه عام است بر آن داکتر صاحب از تفسیر دوالی و
رچرد منت عبارتی که ذیل شرح درس ۳ باب ۲۴ متی که آن درس موافق
درس ۳۲ باب ۲۱ لوقا است واقع شده نمودند که ترجمه آن اینست بشپ پیرس
میگوید مرادش اینست که این پیشین گوئیهای من یقیناً کامل خواهند شد و دین
و بشپ نیوتن میگوید که آسمان و زمین که به نسبت همه چیزها قابل تبدیل نیستند
اینچنین محکم نیستند چنانچه پیشین گوئی من درباره این چیزها محکم است اینهمه نخواهد
شد لیکن سخنان من متبدل نخواهند گشت و یک نوشته آن سخن که الحال
بیان کردم از مطلق سخنان بودن نخواهد گشت انتهی پادری صاحب فرمود که نقل این عبارت
مانع دعوی ما نیست زیرا که ایشان میگویند که این پیشین گوئی زایل نخواهد گشت و باقی
دیگر زایل خواهند شد داکتر محمد وزیرخان صاحب فرمودند که در سخنان او ...

چه علاقه بود که مفسر تصریح بدان می نمود پادری صاحب فرمودند که عام است و اگر صاحب
که برای اثبات دعوی خود دو شاهد پیش کردیم و شاهد دوم شاهد این معنی عموم ابدیا
ازین جوابی نداده فقط فرموده که در درس بیست و سیوم فصل اول باب اول
مرقوم است که شما تولد تازه یافته اید از تخمه فانی بلکه از تخمه غیر فانی که عبارت
از کلام خدا که باید زنده و باقی است انتهی پس موافق این باید که کلام خدا ابدالآباد
منسوخ نشود مولوی صاحب فرمودند که مثل این در درس ششم باب چهلم اشعیا نیز واقع شده
وان درس را آنجناب هم در میزان الحق بعد قول جناب پطرس نقل فرموده اند و عبارت
او چنین است که گیاه پژمرده و گل افسرده می شود اما کلام خدای ما ابداً قائم است انتهی
پس درین قول هم این لفظ خدای ما ابداً قائم است واقع شده پس بحسب زعم شما لازم
آید که امر و نهی از توریت هم منسوخ نگردد پادری صاحب فرمودند که با آن توریت نسخ
واقع شده لیکن کلام ما در توریت نیست مولوی صاحب فرمودند که مقصود ما نیست که از
کلام پطرس مقصود شما بر نیاید بلکه مثل کلام پطرس کلام اشعیا هم است و باز وقوع
نسخ در توریت مسلم جناب شما است پادری صاحب فرمودند که قول پطرس بطور تقویت
ذکر کرده بودم و دلیلم همان قول مسیح است مولوی صاحب فرمودند که آن درباره نشستن گویی
است که قبل از آن گفته است علاوه ازین در درس ۱۸ باب پنجم متی مرقوم است که راست
می گویم بشما تا آنکه آسمان و زمین زایل نشود یک همزه یا یک نقطه از شریعت (یعنی از
توریت) هرگز زایل نخواهد گشت تا آنکه همه کامل نشود انتهی و با وجود آن احکام
توریت منسوخ گشتند پادری صاحب فرمودند که کلام ما در توریت نیست و اگر محمدی
خالف صاحب فرمودند که از چه رو کلام شما در توریت نیست و حالانکه ما انجیل و توریت را
منسوخ نمیدانیم و آنجناب در عنوان فصل دوم باب اول میزان الحق چنان می نگارند که انجیل
و کتب مقدسه عهد عتیق در هیچ وقتی منسوخ نگشته اند پادری صاحب فرمودند که آن

در انجا نوشته‌ام مگر اینوقت کلام در انجیل میکنم داکتر صاحب فرمودند که در عهد
حواریین بعد نسخ احکام توریت حرمت چهار چیز یعنی قربانیهای بتها و خون خفه شده
و زنا باقی مانده بود و الحال سوای حرمت زنا حرمت آن چیزها باقی نمانده پس
نسخ در انجیل هم آمده پادری صاحب فرمودند که بقای حرمت این امور محل اختلاف است
بعضی قایلند باو و بعضی منکر ما قربانیهای بتها را حرام میدانیم تو صاحب فرمودند
که پولوس مقدس تصریح نموده‌اند من میدانم و یقین دارم از عیسی خداوند که هیچ چیز
از خود ناپاک نیست مگر برای آنکس که ناپاک میداند ناپاک است و باز نوشته‌اند
پاکان را هر چیز پاک است و آلودگان و بی ایمانان را هیچ چیز پاک نیست و ازین
قول حلیت آن اشیا مفهوم میگردد پادری صاحب فرمودند که بلحاظ همین آیات بعضی
علما فتوی حلیت امور مذکوره داده‌اند تو صاحب فرمودند که جناب مسیح در حق
حواریین اول چنین فرموده بودند که از راه غیر اقوام مروید و در هیچ شهری از
شهرهای سامرین داخل نشوید بلکه سزاوار است که نزد گوسفندان گم شده خاندان
اسرائیل رفته باشید و باز بحق ایشان فرموده‌اند که بهمگی جهان رفته جمیع خلایق
را این مژده را اعلام نمایید پس دوم ناسخ اول است پادری صاحب فرمودند که
خود مسیح حکم اول را موقوف نموده تو صاحب فرمودند اگرچه خود مسیح هم موقوف
نمودند مگر اینقدر ثابت که نسخ در قول مسیحی جایز است و در کلام سماوی جاری دیگر
است اگر اجازت شود عرض کنم پادری صاحب فرمودند که بگوئید تو صاحب فرمودند که
[illegible] سنگار [illegible] و عالمگیر که گویا بسبب ظهور قرآن انجیل و کتب عهد عتیق منسوخ
شده باشند [illegible] وجه ثبت است وجه اول اینکه از قبول نسخ در
[illegible] شود اولا اینکه اراده خداوندی [illegible] قرار گرفته بود که باد [illegible] توریت [illegible]
[illegible] انجیل آورده شود [illegible] چیز [illegible] باشند [illegible]

این هم مقصد و مطلب را بجا رسانید پس این احکام را منسوخ نموده انجیل یاد داده چون
احوال است این غرض بستور سابق ماند آنها گردید از این هم فایده حاصل نگشت
آخر الامر بسبب ظهور قرآن مطلب را بانجام رسانید هرگاه احیانا العیاذ بالله
چنین تصور در کارگاه خیال کشیده شود پس حکمت و قدرت خدا باطل خواهد
گردید بلکه خدا بپادشاه انسانی و آدمی ضعیف عدیم الفهم مشابه خواهد شد که این
قبیل رفتار محض درباره ذات ناقصه انسانی ممکن است نه آنکه در ذات کامله
خدا تا آنجا اگر قول مذکور غیر ممکن است پس از قانون نسخ این تصور لازم می آید که
خدا از مصلحت و اراده خود عمدا خواست که غرض خاص و مطلب رسانده را ابدا
و بیان نماید اما به نوع امکان دارد که کسی درباره ذات قدیم و کامل الصفات
خداوندی چنین تصورات ناقصه باطله نماید انتهی و حالانکه این دو فقره برگزیده معنی
مصطلح اهل اسلام لازم نمی آید بلکه عیسائیان و پولوس مقدس نیز اگرچه
معترف نسخ در رساله هفتم باب هشتم نامه عبرانیین مسیحگان رقم زنند فقره ۱۳ آنکه نسخ حکم
مقدم می شود بعلت ضعف و بی منفعتی و در باب هشتم همان نامه می نگارند که دیگر
پیمان اول بی عیب می بود جایی بجهت پیمان دیگر مطلوب نمی گشت ۱۳ و چونکه پیمان نو را
ذکر نمود اول را کهنه ساخته است و آنچه کهنه و سال خورده است در معرض زوال
است انتهی پس درینجا پولوس مقدس احکام توریت را ضعیف و بی منفعت
منسوخ شده باید توریت را عتیقه و کهنه و در معرض زوال ارشاد می نماید و در
شنیده ساکت شدند و هیچ جواب نه دادند معلوم شد فرموده که آنچه معتقد
کتاب است مثل درباره اشکال النسخ تحریر فرموده اند واجب الاخراج آمد و اظهار
از معنی نسخ مصطلح اهل اسلام خواستی غرض تا مادری فرمخ مخاطب فرموده که ...
و گفتگوی مجدد گفته بودم که از توریت همان احکام منسوخ شده که لسانهای نسخ

و نسخ اینها مناسب بود زیرا که مسیح اینها را کامل کرد و پیشین گوییهای که در حق مسیح بود
منسوخ شده اند و بعد بعضی انجیل بر داشته این عبارت خوانند باب دهم نامه عبرانیان ۱
چون شریعت را ظلال خوبیهای آینده است نه اصل شبیه امور بود پس هرگز
نمی تواند که کامل گرداند طالبان را بان قربانیهای که پیوسته هر ساله میگذرانند ۲
والا چرا که از آن قربانیها موقوف میشدند زیرا که عابدان کان بعد از
آنکه یکبار طاهر شده اند دیگر یاد گناهان نمی نمودند ۳ لیکن این قربانیهای هر ساله یاد
گناهان می نماید ۴ چه ممکن نیست که خون گاوها و بزها گناه را رفع نماید ۵ لهذا
چون به دنیا در می آید میگوید که تو قربانی و هدیه را نخواستی و بدنی را برای من
آراسته ۶ و از قربانیهای تمام سوخته و هدیه های گناه راضی نبودی انتهی
پس بحسب این توریت و دیگر کتب اشاره بسوی مسیح بودند و بعد آمدن مسیح
آن تکمیل یافتند و خدا از قربانیها راضی نبود و در انجیل اشاره بسوی کسی که بعد
از آمدنش انجیل منسوخ گردد داکتر محمد وزیر خان صاحب ذکر نمود که اگر تسلیم کنیم که از
آمدن مسیح احکام توریت تکمیل شدند احکامی که قبل از مسیح موقوف شده اند
بر آن اطلاق نسخ جایز است یا نه پادری فرنچ صاحب فرمودند کدام است
داکتر صاحب فرمودند مثل حکم ذبح که در باب هفدهم توریت مصرح است ۱ و ۱۰ باب دوازدهم
و شرح آن در باب دوازدهم استثنا منسوخ شد و این اختلاف ذیل
بیان شده در صفحه ۶۱۱ شش صد و نوزدهم جلد اول سطر ۲۲ و ۸ از نسخ حکم
مذکور بعد از عبارت این اختلاف چنین گوید که در آن چنین مصرح است که از
در سال چهلم هجرت مصری قبل از دخول فلسطین صریح آن حکم منسوخ شد پادری
فرنچ صاحب ساکت شدند داکتر محمد وزیر خان صاحب فرمودند که تا اینوقت تمام
در بیان نسخ بود و غرض ما بالفعل همین قدر است که نسخ در کلام الهی مستحیل نیست

فرمانند پادری صاحبان بالخصوص جناب شما می در میزان الحق و ما ملی [illegible] ممکنست
پس هرگاه امکان نسخ ثابت شد وقوع آن بالفعل در انجیل بعد ثبوت رسالت حضرت خیر البشر ثابت شد
خود واضح و آشکار خواهد گردید بالجمله درمیان امکان نسخ و وقوع آن بالفعل فرقیست بین پادری
صاحب فرمودند که ما نیز در امکان آن و وقوع بالفعل در آن فرق میکنیم
و حالا کلام در نسخ تمام شد و در تحریف شروع کنید بر آن کلام در تحریف آمد

قسم سوم در تحریف

قسم سوم در تحریف مولوی صاحب فرمودند که اول عرض اینست که ارشاد فرمایند
که نزد شما می باز کدام امر تحریف ثابت میگردد که بعد آن اثبات او کرده شود در آن
پادری صاحب در جناب هیچ جواب شافی ارشاد نکردند بعد ازین مولوی صاحب
فرمودند که اعتقاد جناب در باره کلام ربانی بودن مجموعه انجیل چیست آیا از اول
باب پیدایش تا آخر باب مکاشفات هر لفظ و فقره آنها کلام ربانی است یا نه پادری
صاحب فرمودند که در باره هر لفظ نمی گوییم البته کتب قابل تسلیم است مولوی صاحب
فرمودند که آن لفظ را که در و سهو کاتب شده گذاشته در دیگر الفاظ و فقرات
تسلیم پادری صاحب فرمودند که در باره الفاظ هیچ نمیگوییم مولوی صاحب فرمودند
که [illegible] در باب [illegible] چهارم تاریخ خود می نگارد که [illegible]
[illegible] در مقابله [illegible] بود چند [illegible] که [illegible]
از [illegible] اخراج کرده اند و در صفحه [illegible] جلد سوم [illegible] که در جناب [illegible]
[illegible] جناب [illegible] که [illegible]
[illegible] که در حقیقت [illegible] بود
[illegible] که [illegible] حاشیه [illegible]
[illegible] جناب [illegible]
[illegible] صفحه [illegible] و [illegible]

در حسن مقابله طعم نیز این دو بیتی گوسی نیاز ذکر نموده گفته بود که این طعام عید فصح [illegible] خداوند بجا
و بناه ماست پس بعضی که اگر فساد [illegible] این طعام بخورند [illegible] خواهید و
کاهنی برای بخوانند و دیگر روایت [illegible] شده [illegible] است چون [illegible]
[illegible] از [illegible] ذکر [illegible] قول [illegible] تعجب
این عبارت حسن [illegible] گوسی نیاز ذکر کرده [illegible] که از [illegible] تحریف کرده و از کتب
مقدسه اخراج نموده اند و از [illegible] هم این [illegible] گوسی نیاز ذکر کرده و [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] حسن [illegible] است [illegible] نطق [illegible]
و از [illegible] نسخه عبری [illegible] از دو حال خالی نیست که [illegible]
[illegible] و [illegible] تحریف [illegible] مقدسه [illegible]
بود که از [illegible] کلام الهامی گفته [illegible]
که [illegible] کتب [illegible] که جامعین [illegible] اسکات [illegible] جلد اول
تصحیح کرده اند که [illegible] الزام تحریف [illegible] در نسخه عبری
تحریف کرده [illegible] که این تحریف [illegible] عیسوی [illegible]
[illegible] اسکات [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] فقط [illegible] آن [illegible]
[illegible] عهد عتیق [illegible] دیگران [illegible]
[illegible] درس ۲۶
[illegible] درس ۲۷
[illegible] انسان [illegible]
[illegible]
[illegible] که کتابی [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] تصنیف [illegible]

نخسته
که این کتب الحاقی نبوده
از آن کتاب بجا قطع نظر از این حرف از شهادت همین زمانت میگردد که این کتب الحاقی
و اینکه تو از لفظ ابهامات بمسئولی که تمام هم در حل الا اشکال کتاب او را بجهت شهادت
ابدا او را بحیاله از شهادت مسیح بمقدر ثابت میگردد که این کتب در آن باب خوب خوبه نباشد
بر هر جمله و بر هر آن کتب باور بصحت آن زمره که این و بر حق صحیح بدلیل الیم مسلم یم که اگر صحت فرموده اول از
بر تعجب است که کتاب او را از کتب معتبره و مسیحیان شده و با هم تسلیم میکنند باور صحت باز بمانی چون اول
بعضی صحت فرموده اند اگر شما در مجالی را تسلیم نمیاید باقول سابق او در مجال تسلیم میکنیم و قول
در مجالس شما قول بطی است باور صحت فرموده نیز و اگر صحت فرمود که یعقوب باب خیم نامه بود
می نگارد که حکایت صبر ایوب را شنیده اند و عاقبت خداوند را یافته اند و کسی این قول را شنیده
بوده و نشنیده آن کتاب غیر شنیده علاوه در علمای اهل کتاب سلف و خلف در این امر نزاع است که ایوب شخص
اسم و حقیقی باکه این شخص در زمانه سلف بوده حقیقت حالی و دیگر از علمای اهل کتاب خود است و لکلرک
دخول و جنب اسمای و غیر هم از علمای مسیحیان قائلند که ایوب محض اسم و ضعیف و کتاب او محض
افسانه باور صحت فرمود که زرده ایوب شخصی بوده و اگر در شهادت مسیح یکتا هم داخل است اما مجوزی
نبوده از صحت فرموده که بولس نامه دوم تشبیهی بخالف بر خاستن با ما و علیم من مقابله بموسی
می نگارد و معلوم است که این کلام محض جعلی و غیر الهامی است نقل کرده اند پس از مجرد نقل الهامی
بود آن کتاب بقول بنده ثابت نمیگردد و باور صحت فرموده که کلام او را محض جعلی نسبت بری الصحت
کتب عهد عتیق قول مسیح نقل کرده باشند کتاب انجیل محرف ثابت نشود شهادت مسیح بر ایشان
محرف صحت فرموده که کلام با مجموع از انتقاد سابق است که او را می خواهد
مسلم ثابت شده اولا از شهادت مسیح باشد و با ما شما
و با صحت عدم تحریف این مجموع و دیگر او را ثابت نفرمایند که اینها باشند باور صحت
در نظر آورده باشند کتب عهد عتیق شهادت مسیح نقل کرده باشد که تحریف انجیل ثابت
فرموده که تحقیق این کتاب نجات است اگر اشتیاق تحریف انجیل آمده ملاحظه فرمایند انجیل

در شمس بازغه هم باب اول بعینه خوانده فرمودند که بیان فرمایند که در طبع دوم که از شمس اعجاز رد و [illegible]
بادر اصفهان فرمودند که بعد از این نیست مگر از [illegible] کنند که در همه نسخه با الحق رفته می شود [illegible]
نموده در نسخهٔ حال موجود و مندرج اند که در نسخهای سابق نبوده باشد مگر بلا شک غلط
است بادر اصفهان فرمودند که غلط بودن این ترتیب و تحریف با مرد کاتب است اگر صاحب فرمودند
اگر به تحمل ابهامی است غلطی باد و یا ابهام امکان ندارد در این صورت بلا شبهه محرف شده دیگر
ابهامی نیست بلکه مقصود مطلب دیگر حاصل است بادر اصفهان فرمودند تحریف فی ما بعد
خواهند که این رسم اشارات نبیه که در نسخهای سابق نباشند و در نسخهای موجوده
یافته شود هم [illegible] اگر صاحب در شش هفتم و هشتم باب پنجم اول بحث منسوخ کردند بادر اصفهان فرمودند که البته
در این جاها [illegible] و دیگر تحریف شده بجز اسماع این جناب [illegible] صاحب با حالم [illegible] که [illegible]
یادری [illegible] صاحب [illegible] بادر فتح صاحب زبان انگریزی [illegible] فرمودند که این [illegible]
یادری فتح صاحب جواب دادند که این هم از کتاب [illegible] دیگر [illegible]
از تحریف [illegible] گذرانید [illegible] در نسخه [illegible] اگر صاحب شده زبان اردو
[illegible] صاحب [illegible] که در نقشه [illegible] تحریف و تبدیل شده
[illegible] صاحب [illegible] مهتمم مطبع الاخبار گفتند که [illegible]
بادر اصفهان [illegible] تحریف و تبدیل کردند بادر [illegible] صاحب گفتند که نویسند فرمودند
[illegible] ۱۲ [illegible] اختلاف
[illegible] اگر صاحب فرمودند که این اختلاف [illegible] هزار [illegible]
[illegible] بادر فرنج صاحب [illegible] اختلاف [illegible]
[illegible] نقصان [illegible]
[illegible] حافظ [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] قابل اعتماد [illegible]

فته بافته یا گفته بر آن بود فرمودند اعلماء و منقولان کرده اند در این معنا
صورت نموده اند از رسالهٔ شصت جامل و تحریف بافته یا نوشته بر آن بود [illegible]
که در نسخهٔ شریف است نموده و نیستند بخط صاحب بهاء اشاره کرده فرمودند که از قبیل آن [illegible]
لیکن حسب بیان شما انشاء الله بخصوص این استفسار فرموده بارسی صاحب فرمودند که چون آن نزد سامعین [illegible]
عبارات معلوم است و در جائی که دو عبارت مختلف نوشته شده با آنچه تصحیح کرده از آن [illegible] کردن
که این کلام ربانی است و در قضا فرمودند شما صاحب فرمودند که بعضی جمعی اهل اسلام است که [illegible]
مجموع بیان با این خصوص الهی فرموده است این جا که کلام سابق بر آن بود در این حسب قضا فرمودند
وقت معلوم کرده شد باید گفت با گفتگو فردا خواهند شد بر آن لوح صحیح فرمودند که جناب سامعین در
نسخهٔ جامل از تحریف دور فرمودند و ما البته نسخهٔ شصت جامل با او اعلام تصحیحی تحریف نمایند
کردن نتوانم اگر رسالهٔ منظوره نسخهٔ جامل الا با جناب شده فردا آنچه خواهند شد اول تفصیل خواهند کتاب الف
کتب صحیح خواهم رسید از آن مانند صحیح دوم نسخهٔ شصت صحیح معلوم که با او اعلام تصحیحی آن چه در ذیل حضور شده
خواهم با آنچه کنید با توجه با وفا بگوییم که خواهند اول تا زبان تسلیم کنید و از آن بگوییم که اتخاذ
ما رأی آن اول شنیده در این تسلیم و توجه اختیار کرده از جمله تعریف است معلوم شد که تا وقتی که جناب با او
نسخهٔ معلوم نشده نسخهٔ شصت صحیح از جمله بیان آن دست صحیح سرکار از اقوال تصحیح بر دلیل نماید
باید قضا فرمود که این نسخهٔ منظوره سابق که اول آن نسخه معلوم رسید که الا تفصیل کرده در معنی شد تا کدام از آن جمله
جواب قضا فرمود که منظور داشتند و اگر صاحب فرمودند که اگر فردا باشند صحیح گفت اید یا در قضا
که اعمال رسیده فردا خواهیم شنید بعد تعیین ختم شد رخصت شد در روز دوم که یوم شنبه تاریخ دوم

جلسهٔ دوم

رجب سنهٔ ۱۲۳۱ مطابق ۱۱ ابریل سنهٔ ۱۸۱۶ وقت صبح جلسه منعقد شد در این جلسه از جلسهٔ اول کسانی که مردم
از ضلع حضور داشتند بودند و جناب مستر [illegible] بهادر حاکم صدر و [illegible] و جناب صاحب بهادر حاکم صدر
و جناب [illegible] بهادر و جناب [illegible] نشین و مولوی غلام جناب [illegible] مولوی و جناب [illegible]
[illegible] جناب ملا مفتی بامل القضاة و جناب مولوی محمد احمد صاحب قاضی القضاة و جناب مولوی
[illegible] صاحب سرشته دار صدر و جناب مولوی شیخ احمد و جناب مولوی محمد [illegible] سرشته دار [illegible]

قرة الاسلام امام مسجد [illegible] جناب مولوی [illegible] جناب مولوی محمد [illegible] وکیل [illegible] جناب خادم [illegible]
مطلع الاخبار رونق افروز [illegible] از اهل اسلام [illegible]
و در بین [illegible] کتب [illegible] اول [illegible]
برخاسته [illegible] از فصل [illegible] خود عبارتی که در آن چند آیات قرآنی بود
خواندن شروع کردند [illegible] اعلام جناب قاضی القضاة صاحب فرمودند که ترجمه [illegible] کنید زیرا
که از تفسیر لفظ [illegible] فرمودند که [illegible] زبان [illegible] آن عبارت
نسخه [illegible] سوره شوری [illegible] و قل آمنت بما انزل الله من کتاب و امرت لاعدل بینکم
الله ربنا و ربکم لنا اعمالنا و لکم اعمالکم لا حجة بیننا و بینکم یعنی بگو ای محمد [illegible]
بان [illegible] نازل [illegible] در خصوص [illegible] امر شده [illegible] خدا [illegible]
و [illegible] خوانده [illegible]
ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم و قولوا آمنا بالذی انزل الینا و
انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد [illegible] یعنی [illegible] اهل کتاب [illegible]
[illegible] بگویید [illegible] آنچه نازل شده [illegible]
[illegible]
الیوم احل لکم الطیبات و طعام الذین اوتوا الکتاب حل لکم و طعامکم حل لهم یعنی امروز
حلال [illegible] طیبات و طعام [illegible]
[illegible]
[illegible] اهل کتاب [illegible]
[illegible] الکتاب [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible] سوره آل عمران [illegible] و انزل التوریة و الانجیل من قبل
[illegible]

[illegible] انجیل و ...
که درین آیات ذکر کتاب را که [illegible] و از اهل کتاب [illegible] و نصارا و از کتاب نصیب [illegible]
پس معلوم میگردد که در عهد توریت و انجیل [illegible] بود و بعد ازان [illegible] کرده [illegible]
و از نام محمد [illegible] تحریف [illegible] یهود و نصارا [illegible] همین آیات [illegible]
[illegible] توریت و انجیل [illegible] در عهد محمد [illegible] تحریف [illegible]
میگردد که در [illegible] محمد تحریف [illegible] اهل کتاب تحریف [illegible]
آیات قرآن [illegible] آریم که در این [illegible]
[illegible] اهل الکتاب [illegible]
و در [illegible] آیات قرآنی [illegible]
[illegible] موافق آیات [illegible]
[illegible] تحریف [illegible] آیات [illegible]
خواند لم یکن الذین کفروا من اهل الکتاب والمشرکین منفکین حتی تاتیهم البینة رسول من الله یتلو صحفا مطهرة ۲۰۱
فیها کتب قیمة وما تفرق الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءتهم البینة و ترجمه کرده [illegible] ۲۰۳
که ازین آیات [illegible] میگردد که [illegible] مسیحیان [illegible] بعد از [illegible]
[illegible]
[illegible] عیسی [illegible] محمد [illegible]
[illegible] اعتقاد [illegible]
[illegible] تحریف [illegible]
[illegible] آیات [illegible] موافق [illegible]
[illegible] انجیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] اور [illegible] اور بعضی تحریف [illegible]
دین اور [illegible] ان [illegible] اسلام [illegible] اور بعضی [illegible]
[illegible] یعنی رسول الله [illegible] عبد الله [illegible] در آخر ترجمه [illegible]
[illegible] حضرت شیخ [illegible] ایک [illegible] غلطی [illegible]
[illegible] سمجھا [illegible] تھا جب [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] اصل [illegible]
[illegible] کہ اصل کتاب [illegible] رسول [illegible] عظیم القدر [illegible]
[illegible] از اصل کتاب [illegible] کہ مخالف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انجیل [illegible]
[illegible]
[illegible] انجیل [illegible]
[illegible]
[illegible] انجیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کتاب مشاهدات را تسلیم کرده اند که سبب وقوع [illegible] باقی مانده و جنگها در زمان سلف شده [illegible]

تا ثبت و اگر محمد [illegible] حسب فرموده که هیچ کس ندیده که از زمانه بوده یا در تصنیفات حسب گفته کرده اند

[illegible] و اگر صاحب فرموده که کلمه [illegible] دو فقره از مشاهدات نقل کرده و پس از او [illegible]

[illegible] و در آخر شده اند [illegible] کتاب [illegible] تصنیف یوحنا و انجیل قبل [illegible]

کتاب ثبت یافته از آن دو فقره [illegible] لفظی [illegible] کتاب مشاهدات باب [illegible] و بعد این

گذشته [illegible] در تصنیف [illegible] گفته و همچنین [illegible] تصریح کرده که بعضی

قبل از [illegible] این کلام [illegible] گفته اند در [illegible] فرموده که [illegible] بسیار [illegible]

[illegible] بعضی [illegible] لغت [illegible] و اگر [illegible] فرموده که [illegible]

[illegible] اظهار کردن [illegible] تمام [illegible] و علم [illegible]

[illegible] این کتاب را [illegible] بعضی [illegible]

[illegible] این کلام [illegible] از جهت [illegible] و [illegible] کرده [illegible]

[illegible] کرده ام [illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible] کلام [illegible] نازل شده بود و از این [illegible]

[illegible] کلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اهل اسلام [illegible]

[illegible] است که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بتنویه پادری فنڈر صاحب که کتب تقریر شمار انجیل ازین نقص کم جمیع باسواء خطبه کنیسه و اصل [illegible]
که پادری صاحب بقیدال از انجیل ... مرقومه دیده باخر خطبه اول فرار یافته نظر ازان [illegible] صاحب فرموده که
از انجیل بوده هم [illegible] را داده و از مجموعه متصل است فقط به انجیل ها [illegible] متصل نخستین کتب انجیل [illegible]
متمم پادری صاحب فرموده که کلام انجیل نامیده و لو صاحب فرموده کلام را مجموعه میان انجیل و تخصیص انجیل [illegible]
ابن پادری صاحب خاموش شده و مسئله مفصل بیان گردیدن کتب مناسب نیست نشسته و کلام در غلطی و تحریف [illegible]
بعد ازان پادری صاحب طومار که نوشته همراه آورده بود خواندن شروع کردند که خلاصه آن این است [illegible]
که علمای ما از اختلاف عبارات اقرار داده اند این همه در یک نسخه نیست بلکه در نسخهای متعدد بوده است که از
رو چنانچه نسخه هابا متعدد یافته شده و بعض اختلاف از تصرف بعض کاتبان هم بوقوع آمده است
چنانچه اکثر در یک دو آیه انجیل متی صحیح و بعض سهو در آیات و الفاظ آورده شده است که این اختلاف
بعد از بسیار است و شستی بکرات [illegible] مگر به نسبت اول ضعیف و باقی خفیف و این اغلاط را
علمای ما اکثر جا صحیح نموده اند چه قدر عظمت که هر کتاب که نسخه های آن متعدد باشند تصحیح آن
ممکن است مگر کتابی که صرف یک نسخه آن یافته شود البته تصحیح آن ناممکن شود است
نسخه های [illegible] بیشتر ... از آن نسبت بسیار نسخه ها دارد و تصحیح آن علمای ما اکثر کرده اند [illegible]
نسخه یافته شود و تصحیح آن شود [illegible] نسخه های انجیل بسیار اند تصحیح آن ممکن است
[illegible] تصحیح [illegible] متناقض یافته می شود [illegible] مشکل [illegible]
[illegible] مشکل را فضل قرار داده [illegible] زیرا که مقتضای
[illegible] عبارت [illegible] اسقاط ضعیف شده کاه و در عبارت [illegible]
[illegible] و در عبارت خلاف واقع شده ما [illegible] عبارت [illegible]
[illegible] عبارات و ضعف و در [illegible] علمای ما [illegible] همه [illegible]
[illegible] غلطیها [illegible] غلطیها نقص [illegible] اصل [illegible]
[illegible] عبارت [illegible] صحیح کرده [illegible] نقص [illegible]

و نیز گفت که اگر مقصود ... خواهم ... نزاع لفظی ... تفسیر الامر مقصود ... [illegible]

... [illegible] که ... تحریف ... جناب ... کتب ... تمام ... نسخه ... [illegible]

... نزاع لفظی ... تحریف ... باشد ... تصدیق ... تمام ... کتب ... نسخه ... [illegible]

... کتب ... لازم ... جناب قاضی القضاة ... عبارت ... [illegible]

... [illegible] ... مسیحی ... [illegible]

... [illegible] ... غلط ... [illegible]

... تحریف ... [illegible]

... معروف ... تحریف ... ثابت خواهد شد که ... نسخه

... [illegible] ... قوم ... [illegible]

... [illegible] ... نسخه ... [illegible]

... [illegible] ... تحریف ... [illegible]

... [illegible] ... کتاب ... تحریف ... [illegible]

... [illegible] ... نسخه ... [illegible]

... [illegible] ... غلطی ... [illegible]

... [illegible] ... غلطی ... [illegible]

... [illegible] ... نسخه ... [illegible]

... [illegible] ... جناب ... [illegible]

... [illegible] ... اختلاف ... [illegible]

... [illegible] ... مختلف ... [illegible]

... [illegible] ... نسخه ... [illegible]

... [illegible]

نمی نماید یا اگر تسلیم میکنند در آن صورت به صفت امامیه [illegible] نخواهند شد زیرا که در باب [illegible] دلیل از کتب نقلی [illegible]

عقل را هم [illegible] کنار [illegible] ایم [illegible] عقل [illegible] صاحب [illegible] نوشته که چون در کتب ما قرار جناب هم تحریف [illegible]

و نقصان ثابت شد پس [illegible] همه [illegible] قابل آن نیستیم که در متن غلطی نشد پس [illegible] و نحیف [illegible]

اثبات سلطنت و نبوت محمد از این دلیل نباید که ما بر تمام [illegible] شد بر این [illegible] صاحب [illegible] که [illegible]

با این [illegible] و غلطها استخراج کرده [illegible] این مفسر [illegible] معتمد او [illegible] این مفسران [illegible] نوشته ام

این [illegible] نوشته اند که [illegible] خالی نیست [illegible] صاحب [illegible] که [illegible]

اقوال این علما [illegible] نزد ما معتمد و جمیع اقوال شان قابل [illegible] و متوجه [illegible] صاحب

گفته اند که جناب از تفسیر بیضاوی و کشاف و جزری نقل کرده اید [illegible] از کتب صاحب [illegible]

که جناب همه این مفسران [illegible] اقوال را که جناب [illegible] دانسته نوشته اند [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] که حضرت محمد رسول خدا [illegible] کلام الهی [illegible] جناب [illegible]

[illegible] تسلیم [illegible] صاحب [illegible] علماء [illegible]

[illegible] جواب [illegible] تسلیم [illegible] جناب [illegible] که این سوال [illegible] تفصیل

[illegible] جواب [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] تسلیم [illegible] وقوع تحریف در این کتاب [illegible] جناب [illegible] ثابت است [illegible]

[illegible] مقصود [illegible] تحریف [illegible]

[illegible] اثبات عدم تحریف [illegible]

[illegible] این کتاب [illegible] دلیل [illegible] تمام [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] تحریف [illegible]

واقع شود [illegible] ولازم [illegible] تقریر [illegible] ختم شد [illegible]

[illegible] تقریر [illegible] تقریر [illegible]

جواب از جانب صاحب

خط از جانب پادری صاحب بجناب مولوی صاحب والا مناقب عالیمناصب سلامت
سابق ازین نیاز نامه مشعر استفسار نمبر صفحه حل الاشکال که حسب قول سامی
دران نوشته‌ام که از کدامی نبی بت پرستی بظهور رسیده ارسال خدمت کرده بودم
آنجناب محمول بر معانی دیگر کرده از نمبر صفحه آن هم بنده و بنده خیال کرده‌ام
که غالباً اینچنین نوشته باشیم اگر ایمرتبه براه عنایت و مهربانی از نمبر سطر این صفحه
آگاه هم فرمایند بدرستی دانسته شود که چه نوشته‌ایم و اگر الحال هم در تحریر نمبر صفحه
تامل خواهند فرمود گمانم چنان خواهد بود که شاید آنجناب از مفهوم عباراتی که در صفحه
ششم ۶ آخر حصه حل الاشکال از سطر دوم تا ششم مرقوم است برخلاف معانی مقصوده
ام عدم بت پرستی انبیا مراد برگرفته اند دیگر آنچه امروز در جلسه مباحثه بعض آیات
فرا نمده که دران از انجیل ذکر رفته است پیش کرده بودم و آن آیات در صفحه
سیزدهم ۱۳ میزان الحق نیز مندرج شده اند سامی جناب در جواب آن فرموده بودند
که از انجیل شنیدکه قرآن صرف قول مسیح مراد است نه قول حواریان بنده میپرسم
که این معنی در تفسیری از تفاسیر دیده اند یا خود چنین مسلم داشته اند پس اگر از تفسیر است
بمهربانی نموده عبارت تفسیر بلفظها بنگارند و اگر از جائی دیگر است از روی نوازش
و عنایت چنان قلمی فرموده بنده را ممنون فرمایند و اگر در ینحالت ضرورت
روا داری این امر ممکن نباشد هرگاه بفضله تعالی انجیل بدست رسند از انجا ارقام نگار
داده باشند دیگر ملاقات دوست و دید بنده را مامور لاقدام و عطای کتب موعوده مرقوم
مکاتبه اولین خود یاد فرمایم باشند فقط راقم مشفق کشیش فنڈر صاحب مرقوم یازدهم ابریل
سنه ... ام و مشغول انگریزی ... خط از جانب مولوی صاحب
بجناب پادری صاحب والا مناصب زبده کشیشان نامدار عمده علمای مسیحیان
ادام الله ... عنایتنامه عاطفت شمامه متضمن استفسار نمبر صفحه

جواب از جانب مولوی صاحب

حل الاشکال و بعضی که اگر احتمال هم در تحریر نمبر صفحه تامل خواهند فرمود گمان
خواهد بود که شاید انتخابات از مفهوم عبارتیکه در صفحه ششتم ۴۰ آخر حصه حل الاشکال از
از سطر دوم تا ششتم مرقوم است بر خلاف معانی مقصوده ام عدم بت پرستی
انبیا مراد گرفته اند و مشتمل بر طلب سند قولم در باره انجیل نزول فرموده
باعث استغراب گشت و سر امر از و شرح که جناب بر ده ورق نخستین بطرف محتاج
مطمح نظر دارند که از تحاول حواله بران عبارت سید سند که بزعم خود دران بر حضرت
حرف اسناد طعن کرده اند و گرنه چنان بخیال آید که جناب بالا القدر از تحریر
خود و امور شی شده که چنین موضع که مفهوم مسطوره را اصلا از دو شناسنجی
قابل استنباط دانستند یا شاید غلطی در تقلم منظور کرده تعریض بران نموده اند
اگر اول است از اطلاق سامی بعید جواب آن شایسته نمی دانم و اگر دوم است
این مناسب نمی نخست دهنده یا چه مانع که در همچو امور بزلات کاتب گرامی این گنن
کنم مثل آنکه در صفحه ۱۰۳ حل الاشکال در جواب استفسار مرقوم است سهو ۴۲

مضمون یه لکها هی که قاعده صرف و نحو اور معانی اور بیان اور سائر فنون کی
کتاب عهد اسلام سی پیشتر کی کسی یهودی یا عیسائی کی پاس نظر نهین آتی

حالانکه این نقل مطابق نیست لفظ سائر فنون در همین مقام هرگز در استفسار
واقع نشده بلکه لفظ مفردات لغت است که از احباب بغیر سائر فنون کرده
و باز از اطلاق اعتراض کشاده و غرض صاحب استفسار در مقام موجود دیگر آن قرآن
است که تعلق بهمیل زبان توریت یا انجیل دارند و مثل آنکه در فصل دوم
نمبر ... مرقوم است اگرچه ... زبان ... اور دیگر مفسرین دعوی کرتی هین که
حالانکه ... یونانی است ... در قرآن جابجا ذکر این امر نا بوده و نه از تفسیری
از تفاسیر بیم دعوی ... نوشته اند جناب که در طلب او طلبی گفته اند

هم نموده بودم و شق آنکه در فصل سوم میزان الحق مرقوم است ثانی کتاب
دبستان مین بون سطوری که گفتی من که عثمان فی الخ حالانکه در آن کتاب در
بیان مذهب فرقهٔ اثنا عشریه چنین واقع شده بعضی از ایشان گویند که عثمان
فی الخ و جناب از این عبارت لفظ بعضی از ایشان را حذف نموده تا بالظاهر
نسبت این قول بسوی تمام آن فرقه گردد و مانند این زلات دیگر هم از
او در خطوط نقل بعمل آورده نمیدانم و میخواهم که جناب سامی را درین باب
پنج دهم و حال شنیده استغفار آنکه در صفحهٔ یکصد و پنجم حل الاشکال در سطر
دوم تا هفتم ملاحظه فرمایند و چون در عبارت استفسار چند جا نقل اینجا
و صفحهٔ پانصد و نود و پنجم لفظ گوساله پرستی و بت پرستی واقع شده و طعن
صاحب استفسار بابت هر دو است لهذا لفظ گوساله پرستی را در سطر هفتم
بمعنی مطلق بت پرستی گرفته ام وگرنه هرگز طعن صاحب استفسار بر منجر و حال
انجیل آنچه گفته ام همان در کتب اسلامی مرقوم است و بعضی از آیات قرآنی
مفهوم میگردد و انشاء الله عنقریب جناب سامی را از بعض رسایل مطبوعه
تحقیق این امر کما ینبغی اطلاعی حاصل خواهد گشت و یک شکایت دیگر هم دارم
که درین مباحثه بالکل خلاف آداب مناظره اختیار کردند با وجودی که جناب
پادری فرنچ صاحب شریک سامی تا عرصه بقرات مکتوب خود مشتغل ماندند و از
جانب ما بکمال شوق سماعت آن بعمل آمد و بعد فراغت شان چون جناب
داکتر محمد وزیر خان صاحب شریک استماع مستعد بجواب آن شدند جناب
مانع آمدند و وقتیکه جناب داکتر صاحب چیزی نگفتند جناب ممنوع میسر داشتند
بعد که جناب داکتر صاحب رنج خورده فرمودند که آیا شریک مباحثه هستم
یا نه جناب لطائف الحیل مانع شدند این کدام شرط انصاف بود هر چند که

این خبر سامی بحق ما چندان مضر نگشت بلکه نزد جمیع حاضرین معمول و مجوز بود
و برای همین شد که جناب فقط همین خیال میکردند که خبر هر قدر تخویف که با قرار ما
بر حاضرین منجلی شد شد زیاده ازین ظاهر نگردد و تسکین جناب ڈاکٹر صاحب
کرده بودم لیکن چون عند الملاقات باظهار جناب کشیش ولیم کلین صاحب واضح شد
که این مباحثه در اردو و انگریزی مطبوع خواهد گشت و هم همین هم است
که نامه دان تقریر فنیج صاحب که از جواب آن ڈاکٹر صاحب امتناع فرموده
مطبوع شود لهذا مناسب افتاد که جواب ڈاکٹر صاحب مرسله خدمت گرامی گردد
که تا همراه آن مباحثه زیر تقریر مذکور طبع این هم بعمل آید تا نشود که بر ناظرین
آن مباحثه که در آن جلسه حاضر نبودند این امر مشتبه گردد که طرف ثانی از جواب
جواب تفصیلی آن تقریر اعراض نموده نظر ابران از عقب نیاز نامه هذا جواب
ڈاکٹر صاحب مرسل خواهد شد از راه انصاف با تقریر مسطور مطبوع شود و هم از ملاحظه
ناظرین نسخه ثانیه اطلاع یابند زیاده نیاز بتاریخ ۲۴ رجب سنه ۱۲۷۰ هجری مطابق ۱۳
اپریل سنه ۱۸۵۴ روز پنجشنبه خط از جانب پادری فنیج صاحب بجناب مولوی صاحب عالی مناقب
والا مناصب سلام نامه گرامی رسیده کاشف حالات شد انچه از حکایت
ڈاکٹر صاحب ذکر نوشته است جوابش اینست که اگر ڈاکٹر صاحب را گمان اینست
که از روز اول فرصت اظهار و بیان مطالب خود هم حاصل نشد انجناب بفرمایند
که باز جلسه مباحثه قائم کرده شود که من و پادری فنیج صاحب برین امر بخوشی تمام
راضی هستیم تا عذر ڈاکٹر صاحب رفع گردد و آن دلایلی را پیش کنند که ثابت
همین باشند که انجیل بر اصل خود نمانده و در تعلیمات و احکامش فرق افتاده
و انجیلیکه الآن در استعمال است خلاف آن نسخه است که در زمان محمد صلعم بوده است
زیراکه همین اثبات از مولوی صاحب تمنا داشته ام و ایشان نکردند و هرگاه که ثابت خود

خط پادری فنیج صاحب

که انجیل بر اصل خود نمانده است آنوقت معلوم خواهد شد که مباحثه موقوف
مقصد آنجناب اتمام پذیرفت ورنه امید آنست که مباحثه در دیگر مسائل اختلافیه
کرده شود یعنی آنجناب اعتراضات خود در باب الوهیت مسیح و تثلیث و ذات
الهی پیش کنند و شنیده ام دلائل را در میان آرند که چرا مسیحیان از رسالت
پیغمبر اسلام و حقیقت قرآن انکار دارند و اگر آنصاحب فرصت نداشته
باشند که زیاده برین در اکبرآباد توقف فرمایند و اکثر صاحب کسی را از فضلای
آنجانب پیش کنند و این مباحثه دینیه را باختتام رسانند فقط نمبر صفحه حل
الاشکال دیدم نگاشته بود در باب فهم انتقام که در یادم نمی گذشت سببش این بود
که سامی جناب مطالعه نموده صفحه مذکوره را با الفاظ دیگر نقل کرده بودند و از
صفحه نشستم گذشت ان داده بودم بالیقین دانند که برای رنج دهی خاطر گرامی
نبوده است بلکه در حال تلاش مطلب چون بر ان صفحه محو شده گمان بودم که شاید
ازین صفحه مراد سامی باشد خطا را قبول نمودم کتبش فقط راقم صاحب ۱۲ اپریل سنه ۱۸۵۴ع
دستخط انگریزی بالای خط خط از طرف مولوی صاحب جناب در جواب
خط از طرف مولوی صاحب
والامناصب علیمنا قدیر بندگی نشان از عمده علمای مسیحیان دوستی الاقتدار
سلامت عنایت نامه عاطفت شمامه نزول فرموده کاشف نهانیت غمایه
فرمایا انعقاد جلسه بار دیگر که برای رفع شکایات جناب و اکثر صاحب سینه
خاطر شریف دیا دری فرح صاحب شده بسی مستحسن و مطبوع خاطرم افتاد و
انشاء الله بعد اختتام این مباحثه دینی عزم شاهجهان آباد نخواهم ساخت مگر برای
این مباحثه ضروریات شدن چهار شرط سفینه تحق جانبین میدانم و باسد برای جواب
قوم نیاز رقم می کنم رجا که انها را اندر یافرموده از تعیین روز مباحثه اطلاع فرمانند
و اگر در شرطی ازین شرائط قباحتی باشد بدلیل بران مشتملند فرمایند اول آنکه هر

فرق یا از نقض اجازت شود که از اقرار و کلام جانب ثانی که در بین دو حجت گفته شده
برزبانش رفته امری را اگر مفید حق خود دانند نوشته پیش کنند و از جانب ثانی (که بعد انعقاد)
دستخط بر ثبت کنانند و همچنین این امر در جانب آینده هم منوط باشد و این
در طلب یا فردای آن هر فرق فردا را پیش کرده و دستخط بگیرانده باشد و این
اندر حین ضبط و ثبت اگرچه بسیار حاجت ادخبت(?) آن از آنکه هرچه برزبان و تقریر گذشته
رفته یا خواهد رفت علی رؤس الاشهاد بوده و خواهد بود و صد کس شنیده
و خواهند شنید و چند کس از سامعین هر دو طرف سخنان ایشان را نوشته
اند و خواهند نوشت لیکن بنده ضبط می‌خواهم که هرچه در دو جلسه از اقرار و کلام
یا مفید سامی باشد نوشته پیش فرمایند که با ملاحظه دستخط خود ایشان ثبت کرده
دهم و هرچه از کلام جناب و پادری فندر صاحب مناسب دانیم نوشته پیش کنیم و جناب
پادری صاحب ممدوح نیز از دستخط خویش مزین فرمایند مثل آنکه دعوی جناب
که در عنوان فصل دوم میزان الحق مرقوم است و در آن نسبت بسوی قرآن و
تفاسیر فرموده‌اند غلطی آن مسلم جناب شده و مثل آنکه جناب امکان نسخ مصطلح
اسلامی را انکار کرده یا معنی متعارف نسخ در توریت شده و تسلیم نسخ در توریت
در انجیل چند بار بزبان مبارک گذشته و کلام سامی اگر بود همین بود که انجیل مؤید
قول جناب نسخ که بار از خاص جناب از عام می‌دانند نشنو نخواهند شد و مثل
آنکه بعد از آن جلسه پادری فندر صاحب از طلب سامی مفت(?) بحث جا در کتب مقدسه
اقرار تحریف نموده و آنجناب هم خط خود در آن ظاهر فرموده‌اند و مثل آنکه بعد از آن
جلسه پادری صاحب ممدوح بر وفق مذهب تحاویلی(?) میزان الحق که بار از اوامر اختلاف
عبارات در آنجناب بسهو کاتب تغییر نمودند اعتراف نموده‌اند و مثل آنکه در
جلسه دوم آنجناب سهو کاتب را در کتب مقدسه تسلیم فرموده‌اند بعد التماس

تغیر ان سهو چنین ارشاد کردند که اینهمه امور یعنی کسی کلام خلیفه را گرفته اصل نسخی
کرده باشد یا آیات را افزوده یا آیات را انداخته و این قسم تصرف در آیات
نسخ نسخ جا خواهد بود یا بعض لفظ را به بعض لفظ تبدیل ساخته و این کسیکه
جاست یا تفسیر لفظی از جانب خود در ان افزوده و این عام است که در نسخ
وافزودن و انداختن و بدل کردن قصدا باشد یا سهوا یا از روی غلطی واقع
نزد او اصل در سهو کاتب افتد و مانند این امور یک دو امر دیگر هم اند که در وقت
پیش کردن نزد منظر مبارک خوانده گذشته شدها دوم آنکه کلام ما از اول
مجموعه مسلسل است نه فقط بر عهد جدید از جهت در هر دو جلسه کرات و مرات همین
بر زبان ما گذشته در خطوط فریقین هم مباحثه در مطلق نسخ و تحریف قرار یافته
نه در نسخ و تحریف عهد جدید فقط انه اگر از آن گذشت که تمام اختتام مباحثه در ان دو
مقوله مذکوره هرگز تخصیص عهد جدید از جانب ما نشود شرط سوم آنکه در وقت
جواب دادن ما از جانب سامعین نه لطفو نمایند و گرنه آن گفتگوی حاکمانه است
نه عالمانه و اگر ازان انه از جانب ما هم امری خلاف اوقات خلاف آداب مناظره ظهور
نخواهد آمد بلکه فریقین را باید که کلام مجیب را تا آخر ملاحظه بشنوند بعد ازان لب لا و
نعم کشایند غایت آنکه در صورت حاجت یک دو جلسه زاید خواهد افتاد و در ان
کدام هرج فریقین متصور نیست شرط چهارم آنکه در وقت مباحثه در رسالت
محمد و حقیت قرآن که بعد مباحثه در تثلیث و الوهیت جناب مسیح بظهور خواهد آمد
الفاظی که بر سامعین گران گذرند و موافق محاوره اردو کریه باشند در حق
حضرت خیر البشر و قرآن مجید بر زبان مبارک نرسند و از انکار هر دو همچنین
از ایراد مطاعن بر آنها منظور خاطر خطیر اند منع نمی کنم بلکه بار شما آنها را وارد
کنند و متفضل اند جواب آن خواهیم داد امید که هر چهار شرط منظور شوند و

اگرچه از داکتر صاحب مستدعای عالی انجمن شده که آن دلائل را پیش کنند که از آن
ثابت شود که جناب را اصل خود نمانده و در تعلیمات و الکلامش فرق افتاده و بهیچ طور
الآن در استعمال است خلاف آن نسخه است که در زمان محمد بوده و دریافت شده
بسته و چه کمال تعجب شد اول آنکه منصب با فقط این هم که مشکوک است این مجموعه را
کرده بودیم و آن تفصیل [illegible] گشت خود از جناب سامی در اول جلسه روس
الاشهاد اقرار تحریف [illegible] بطور [illegible] روی اقرار بودن بهم کاتب تغییر
که بسبب آن تغییر چنین باو را جناب [illegible] بدون نزاع لفظی بر آمد بظهور رسیده الحاصل که
جناب با وجود اقرار تحریف در آن مواضع محدوده مدعی عدم تحریف در ترجمه
عبارات از تعلیمات عیسی و الکلام و تثلیث و کفاره شدن جناب مسیح است
اند اثبات آن بر ذمه جناب است . دوم آنکه در مسئله نسخ و تحریف
تثلیث موافق خواهشات [illegible] سامی مجوزه [illegible] منصب همین است که معترض
منصب سامی آنست که مجیب باشند پس مجیب منصب گرامی اثبات آن بر
ذمه جناب لازم است . و رفته بالکل ازین امور فارغ است سیوم آنکه جناب
داکتر صاحب اراده جواب تقریر فنڈر صاحب دارند و برای همین امر تکلیف
سامی بوده و این مستدعای سامی را از چه مناسبت [illegible] بعد ادای شان
بودن [illegible] دیگر [illegible] اولا [illegible] بحال این مستدعای عالی [illegible]
[illegible] الاشتغال تفرقه [illegible] عطوفت سلک
شده [illegible] انجمن [illegible] مظنون غالب همین شد که بهمان امر تفرقه
سبب آن شد [illegible] خاطر ستمام و الحمد [illegible] که غلطی در نظم [illegible] شده
او مطالب [illegible] را با الفاظ دیگر نقل کرده ام زیاده [illegible] تحریر ۱۶ رجب
سنه ۱۲ [illegible] هجری مطابق ۱۶ اپریل سنه ۱۸ [illegible] عیسوی روز پنجشنبه

خط از جانب پادری صاحب بجناب والا مناقب لمعنا مولوی رحمت اللہ صاحب

نہایت گرامی نامہ آنجناب کا شرف حال ہوا جسمیں اولاً مباحثہ اوسی قاعدہ اور ترتیب
پر کہ جس پر رضای طرفین پیشتر قرار پائی تھی نا منظور ہونیکی شکوہ ہی جسکا
ذکر جناب نے اپنی خط میں اور ان شروط میں مذکورہ کی کیا ہی اور بعد اسکی
پادری فرنچ صاحب کو بھی کچھ الزام دیا ہی اگرچہ سبب تطویل ہوگی مگر مباحثہ دو دن
جلسہ گذشتہ میں ہم لوگوں کی نزدیک دو مضمون تمام ہوا یعنی کہ ہم مقر ہوئے
کہ توریت میں نہ در اصول ایمانیہ بلکہ صرف فروعات کی مسئلون میں نسخ ہوا ہے
اور یہ صرف اس مضمون کی کہ فروعات فی مسیح کی ظہور سی انجام و اختتام پایا
اور انجیل کی بابت ہماری بات یہ ہی کہ نہ منسوخ ہوئی ہی نہ ہوگی مسیح کی
اور حق کی موافق جو انجیل میں یعنی لوقا کی ۲۱ باب کی ۳۳ آیت میں مرقوم ہی
ادعای تحریف کی جواب میں ہماری بات یہ تھی کہ تحریف و تبدیل ... کا بیان
وغیرہ نکتون اور حروف لفظوں میں اور بعض آیتوں میں بھی ہوا ہے
اور یہ کہ ہماری علمائی قدیم نسخوں کی تیس ہزار غلطیاں اس طرح سے
نکالی ہیں مگر یہ کہ ہر نسخہ میں اتنی غلطیاں واقع ہوئی ہوں بلکہ سب قدیمی
نسخوں کی جو شمار میں چند سو ہے کچھ اور میں مذکورہ غلطیاں نکالی
ہیں اور بعض میں کم بعض میں زیادہ غلطی پائی گئیں (اور اگر ان تیس ہزار
غلطیوں کو چند سو نسخوں پر حساب سے تقسیم کریں تو فی نسخہ ... سو
غلطی نہ نکلیں گی زیادہ) اور یہ بھی ذکر ہوا کہ ان سب نسخوں کو مقابلہ کرکی
غلطیاں تصحیح کی گئیں چنانچہ جناب صرف تھوڑی الفاظ اور صرف چند آیت
تفسیری ہیں یہ کہ معنی ان غلطیوں کی گواہی مضمون کی تبدیلی نسخی مقابلہ
کرنا ہماری عمر صرف شکوک ہی پیش کرکی ثابت کیا کہ وہ موجود مضمون ان غیرہ

انجیل کی اصل میں یعنی اصل مطلب میں کچھ بھی فرق نہیں پڑا اسلئے وہ اپنی اصل پر
چنانچہ سب تعلیمات اور احکام انجیل اب بھی بعینہ وہی ہیں جو اول سے تھے اور یہ
بات اسکی گواہی علماے مذکورین کی اور انجیل کو ان نسخوں سے کہ جو زمانہ محمدیہ سے پیشتر کے
تھے مقابلہ کرنے سے بھی معلوم ہوتی ہے بہر کیف باوجود ہمارے ان دلیلوں کے
جناب نے کہا کہ مضمون میں بھی فرق پڑا ہوگا میں نے آپ سے اس بات کی دلیل مانگی اور
کہا کہ آپ ایسی انجیل جو اگلے وقتوں میں مشہور اور مروج تھی لاویں اور اوس کی
رو سے بتلاویں کہ اس انجیل کی تعلیمات و احکام اب کے انجیل سے اور طرح
ہیں مگر آپ نے کوئی دلیل اپنے ادعا کی ثبوت کو پیش نہیں کی تب میں نے کہا کہ جناب
کا ادعا صرف ایک دعوی اور گمان ہے اور بس اس بات پر دوسرا جلسہ تمام ہوا
اب اگر جناب دونوں جلسے کی روداد میں یہ مضمون ضبط کر کے پیش کرینگے تو دونوں
پادری فرنچ صاحب اور بندہ اسپر دستخط کرینگے والا فلا ثانیاً اسی سبب سے
کہ جناب کا وہ دعوی کہ نصوص انجیل بدل گیا بے دلیل اور بے ثبوت رہا میں نے
ڈاکٹر صاحب کے خط کے جواب میں لکھا کہ اگر آپ کے پاس اوس ادعا کی
دلیلیں ہیں تو اونکو پیش کرینگے لیکن جلسہ پھر قائم ہووے تو ہم باہتمام راضی ہیں
بشرطیکہ جلسے دوبارہ قائم ہوں جناب کے مرضی کے مطابق تو البتہ مباحثہ اس بات
سے شروع ہوگا۔ فقط ثالثاً میں نے جو میزان الحق کی دوسری جلد
کی تشریح میں لکھا ہے کہ قرآن اور مفسرین دعوی کرتے ہیں کہ قرآن کی طفیل
سے انجیل منسوخ ہوئی ہے اور جناب نے کہا کہ یہ بات غلط ہے تو میں صرف
شرط پر اس غلطی کا مسلم ہوا کہ فی الحقیقت قرآن کی آیت اور کسی تفسیر میں اسکا
بیان اور اشارہ نہیں ہوا ہو کہ بات بھی تفسیروں میں کہیں بھی اسکی
جستجو میں [illegible] اس دعوی [illegible] اسکو قبول کیا اور پھر

یہ مطلب ہی تھا کہ اس بات کا ثبوت چاہتے ہیں کہ بتوسط کی آپکے سوا کس کے
محمدی عالم سے اسکا انکار سننے میں نہیں آیا اور تعجب ہے کہ اول آپنے کہا کہ
بات قرآن اور تفسیر نویسی برخلاف ہے پھر بعد خود دعوی کرتے کہ آپ فرماتے ہیں کہ
انجیل منسوخ ہو چکی ہے کسو واسطے اب ایسا دعوی کرتے ہیں جو انکی نزدیک قرآن میں منصوص نہیں
الحاق دو سطر نوشتہ جناب کے اثر تب بندہ کو منظور ہو گئی کہ جناب اُن چیزوں سے
سے ایک کو ثابت کریں یعنی مدلل کریں کہ قول مسیح معتبر نہیں ہے یا کہ دیکھیے آیات
جنکو آپ نے دیکھی ہیں مثلاً یوحنا کی ۵ باب کی ۳۹ آیت اور لوقا کی ۲۴ باب کی
۲۵ سے ۲۷ تک اور ۴۴ سے ۴۵ آیت تک انجیل کی اگلی نسخوں میں پائی نہیں
جاتی ہیں بلکہ پیچھے سے انجیل میں داخل کر دی گئی ہیں یعنی مضمون انہیں آیتوں کا
جواب ہے آگے ان اعتراضات کی تھی جو درباب کتب عہد عتیق آپ پیش
کرتے ہیں اور جب تک یہ مرحلہ طے نہیں ہو گا اب سے آگے کسی اور عالم و
فاضل محمدی سے کتب عہد عتیق کا مباحثہ لازم نہیں ہو گا اور نہیں کرونگا حضرت
مسیح کا قول البتہ اُن سب صاحبوں کی اعتراضات سے زیادہ معتبر اور اونکی دعوی کو
کافی وافی ہے اور جانتا ہوں کہ مسیح کی گواہی درباب صحت و حقیقت
توریت کی کافی دلیل ہے کہ وہی سب نبیوں جنکو آپ اور محمدی قبول کرتے جانتے ہیں
صرف انہیں کی سمجھ ہی میں کہ فی الحقیقت ان کو تو نسخ توریت کی صحت
ثابت میں کچھ نقص اور ہی جاشتا جناب کے تحریر شرط الیسی ہیں کہ اگر
محمد توجہ یا جواب چاہتے ہیں کافی ہوئی ہے آپکی جو تھی شرط اور یہ جاہی تعجب ہے
کہ آپ ایسا ذکر اب بیچ میں لاتے ہیں آپکو تو اول ہی سے معلوم تھا کہ ہم قرآنی محمد
کی اُن قسم کی تشریح کے ساتھ بحث کرنا دو باتوں پر محمد سے محاورے کی مطابق کس طرح جائز ہے
محمدی محمد صرف القرآن نہ کہ قرآن شریف البتہ اپنی دانست میں کچھ طعن و ...

مگر انہی موقع اور محل پر کہینگے کہ قرآن سمجھا نہیں مگر جو چاہا ہی اور کچھ بھی نہیں اور نزول آیت کیا ہی مگر
بلکہ غیر حق بھی ہی اور دروغ سے دعوی الہام اور
کی راہ سی کہینگے بلکہ بطرف اس سبب کے کہ ہم عیسائیوں کی نزدیک حق ہی کی
خط ارجاع۔
مورخہ ۱۹ اپریل پنجشنبہ ۱۸۵۴ع دستخط انگریزی بابان خط
مولوی صاحب جناب با ادب صاحب والا مناقب زبدہ گزشتگان نامدار عمدہ علمائی
سبحان اللہ ذی الاقتدار سلامت عنایت نامہ آپکا پہنچا مگر تو جلسوں میں بسبب اجمال اور نہ
کی جو مطلب صاف صاف نہیں کھلا تو دریافت کرنا اوسکا بعد ایک امر کے
جلسی جواب تفصیل لکھنی ضرور ہی عنایت فرماکی تشریح اوسکی فرما دیجیے اور
اپنی مجلس میں لکھی اول موضع مباحثہ اوسی قاعدہ اور ترتیب پر رہی جیسا صاحب
طرفین نی قرار پائی اسی قول سی جو تجویز قرار پائی کیا مراد ہی آیا وہی جو
باعتبار حضور کی مقرر ٹھرا ہی یا اور کچھ اگر اول ہی تو یہ غالب معلوم ہوتا ہی تو
اوسکی موافق مباحثہ اون مسائل سی جنمیں وہ مقرر ہی مطلق نسخ اور تحریف
میں ٹھرا ہی نہ خاص نسخ اور تحریف عہد جدید میں اسلیی ہم دو جلسوں میں برابر
آتی رہی ہیں کہ ہمارا کلام مجمل رہی نہ فقط عہد جدید پر ہوا تحقیق الانجیل
کو کیوں ترک کیا ہی اور اگر دوم ہی تو ہرگز اوس پر رضا ہی طرفین کی ایک بات قرار
نہیں پائی ہی بیان مراد کی تشریح کر دیجیے دوم موضع بہم مقرر ہوئی کہ توریت
میں [illegible] اصول ایمانیہ کہ صرف فروعات کی متعلق نہیں نسخ ہوا ہی جو کلام الٰہی
جلسوں میں نسخ ہوا ہی اصطلاح اہل اسلام ہی اور فقط اوامر و نواہی
میں آتا ہی اور اوسکی تشریح بعینہ جلسہ اول میں کی تھی اور اوسکی اثنا
ذکر میں تورات کی منسوخیت اپکی زبان پر گذری تھی اور اوسکی
معنی وہ ہیں جو میں ہی لکھا ہی تو غالبا سمجھا نسخ سی مراد اوسکی وہی ہوگی جو

کہیں ہی کہیں مگر اوسکی تصریح کردیجی اور یہہ بہی بتلادیجی کہ اس سے نہی کرکی
بجای جسمین
کلام ہی انکی نزدیک اصول الایمانی وغیرہ وہ نسخ ظاہری نہین ہوا تمام توریت کی
سوای احکام عشرہ کی کچہہ اور بہی ہین اگر ہین تو اونکی تفصیل کیجی سوم
موضع تحریف و تبدیل از سہو کاتبان بعض عبرانی اور حروف اور لفظون مین اور بعض
آیتون مین ہوا ہی اسمین غالباً لفظ وغیرہ کا عطف سہو پر ہوگا اور یہی آپکی مراد
ہوگی کہ سہو نکلی اور غیر سہوی یعنی قصداً جیسا آپنی جلسہ دوم مین بہی فرمایا
اور تحریف قصدی اہل بدعت بلکہ تحریف قصدی دینداران مسیحیون نکا بہی بعض
محققین عیسائی نی اقرار کیا ہی اگر یہی مراد ہی تو تصریح کردیجی اور اسیطرح
اسکی بہی تصریح کردیجی کہ بعض آیتون نسی ویسی ساتہہ آٹہہ آیتین مراد ہین جنہین
اوس تحریف کو جسکو ہم مدعی ہین آپنے قبول کیا تہا یا اس سی زاید بہی ہین
اگر زاید بہی ہون تو اون مواضع کو ضبط کردیجی کہ فلانی اور فلانی آیت ہی
تاکہ ہم اونکی مختار سی واقف ہوجاوین اور بعد دستخط ہوجانی طرفین کی دوسری
آیتونکو جو سوای اونکی ہین اور ہمنی اونکو نکال رکہا ہی اگلی جلسونمین پیش کرکی
اونکی حسن و قبح پر مطلع ہوجاوینگی اور اگر لفظ بعض کا پچاس آیتونکو بہی شامل
ہی تو اوسکی تصریح کردیجی اور اس صورت مین بہی اگر آپ سب کی تفصیل
اونکی تو نہ دے سکیں تو بیس مواضع کی تفصیل کردیجی چہارم موضع
اظہار ہی علمای پس ہزار غلطیان الخ اسی کیا مراد ہی آیا یہہ کہ سب
غلطیان جو شمار ہوئی ہین جسمین سی ہر ایک تصحیح کی ہوئی تہی بعد تعاقب
زمانی کہ اون تک غلطیان نکلیں یا یہہ کہ بعض مصححین نی بعض
اونکی نسخہ میں اور اسیطرح چہہ سو پچاس نسخی سی کیا مراد ہی آیا یہہ کہ آج
کل اونکو نسخی نقالی کیا گیا ہی یا بعد بعض وقت مین اونکو نسخی کیا گیا

ہی گو اور وقت میں اور سی مقابلہ کرکی غلطیان نکالی ہو دین اور صورت دوم
ہین اس مقابلہ کرنی والی کا کیا نام تہا پنجم موضع اب صرف تہوڑی
الفاظ اور صرف چند آیات مشتبہ رہی ہین جو کل متن ہزار تہا تو اکثر کا
اطلاق نصف سی کچھ زاید پر ہو سکتا ہی پس تہوڑی الفاظ سی مراد کیا ہی
آیا ہزار دو ہزار جو پندرہ ہزار سی کم ہو دین یا سیکڑون یا دو تین یا اور اسی
طرح چند آیات سی کیا مراد ہی اگر تہوڑی الفاظ اور چند آیات سی دو تین الفاظ اور
دو تین آیتین مراد ہین تو اونکی تفصیل کردیجئی ششم موضع کتب تعلیمات اور احکام انجیل محفوظ
رہی ہین الخ اس سی کیا مراد ہی آیا یہہ کہ کوئی فقرہ کسی حکم یا تعلیم کا محرف
نہین ہوا یا یہہ کہ بعض جا مین ایکفقرہ یا کئی فقری گر گئی ہون مگر جو رہی
مطلب اور رہا ہی نکل سکتا ہی تو اصل مطلب مین انکی نزدیک کچھ نقصان نہین
آیا ہفتم موضع ترجیح دی اصل مطلب کی تفسیر واضح کردیجئی کہ ہم اسکا
اطلاق کرتی ہین اور پس ہشتم موضع انجیل کی اون نسخون کو جو زمانہ
محمد سی پہلے مروج تہی اس سی کیا مراد ہی آیا یہہ کہ پیشتر زمانہ محمد صلعم کے
لکہی ہوئی ہین اور اونکی زمانہ سی ہی منسوب ہوکر سب نسخون مین مستعمل تہی اور
بعینہا آج تک موجود ہین یا اور کچھ مراد ہی اگر اول ہی جیسا آپ نے
میزان الحق مین بہی لکہا ہی تو اس صورت مین ہم پوچھتی ہین کہ اس بات پر
کچھ علماء اوسکی متفق ہین کہ وہی نسخی بعینہ پیشتر زمانہ محمد سی مرقوم ہوئی ہین
یا بعض کی یا سی بہا انقطاع کے اور صورت یقین مین کوئی دلیل اونکی
لکھی ہو تو بعض کتب اسناد مین جو ہماری پاس ہین اس امر کو بہی دکہائی
مگر کوئی دلیل ایسی نہین ہی کہ اوس پر اعتماد کیا جاوی یا اعتبار کیا جاوے
نہین کچھ اسناد کی ہین نہم موضع تحریف متن یعنی مطلب و اصل مین اور

اسطرح بعض آیات میں جنسے آپ دلیل پکڑتے ہیں آپکے نزدیک فقط جنہی ثابت ہوگی
جبکو نہی ایسا پرانا نسخہ نکلی جو اس سے متن اور ان آیات میں حائل کی نسخوں کے
مخالف ہو یا اور طرح بہی ہو سکتی ہی اگر ہو سکتی ہی تو اوسکی تصریح کیجئی کا ہو کہ
اگر اسطور بہی ثابت کر دوگی تو بہی ہم ہان لینگی دوسرے یہہ کہ لفظ ویریستی
ڈنگ جو جلسہ اول میں آپکی زبان پر بہی گذرا تہا اور آپ اوسکا ترجمہ ہو
کا تے ساتہہ کرتی ہی تعریف اوسکی کیا ہی اور اوسمین اور ایت آٹہ میں فرق
ہی یا نہیں بعد عنایت نسی یہہ ہی کہ صاف صاف ان سون باتوں سی
اطلاع فرماتی کہ بعد اوسکی جواب تفصیلی اپکی عنایت نامہ کا لکہون اور مقدمہ
مباحثہ میں جو منظور ہو امر قطعی کرکی عرض کرون زیادہ زیادہ محررہ ۱۹
اپریل ۱۸۵۴ء مطابق ۲۰ رجب ۱۲۷۰ ہجری یوم چہارشنبہ فقط عرض یہہ
کہ اسمر سی بہی مطلع فرماتی کہ جن شخصون نی مقابلہ نسخون کا کیا ہی اور
اون بیسیوں کا اعتبار ہی کی کی شخص تہی اور نام اونکا کیا ہی اور کس
زمانہ میں تہی اور اونمیں سی عہد عتیق کی مقابلہ کرنی والی کتنی تہی اور عہد جدید
کی کتنی فقط خط از جانب پادری صاحب جناب والا شان
عالی مناقب مولوی رحمت اللہ صاحب سلامت عنایت نامہ اپکا پہنچا اور
مضمون اسکا معلوم ہوا واضح ہی کہ آپکے سوالات کی جواب اور بیان میں
کتاب لکہنی پڑیگی نہ نامہ پس ایک خط میں انکی گنجائش کسطرح ہو کہ انکا جواب
اسوقت ضرور ہی نہیں کسواسطی کہ اپکی بعضی سوالات کی سلونسی مفصل بحث مین
مباحثہ ہوچکا اور بعض ایسی ہیں کہ اگر جناب چاہیں تو انکو آیندہ مباحثہ
کی بعد پوچہ لیں تو صاف لکہا تہا کہ پادری فرنچ صاحب کی دوسرے
جلسہ میں مباحثہ کی کس وجہ سی اور کس مقام تک انجام پایا اور یہہ دو بات

خط از جانب
پادری صاحب

جو نسخ اور تحریف کی مباحثہ میں باقی رہی ہیں کہ آپ اپنی اس دعوی کو بخوبی
کا مضمون بدل گیا ثابت کیجیی اور نیز یہہ بہی لکہا کہ اگر مباحثہ پر قایم ہو تو
اوسی بات سی شروع ہونا چاہئی نہ اور کسی بات سی مگر جناب نی اسکا
جواب کچہہ نہیں لکہا بلکہ اور سوالات پیش کیی پس فرماتی ہیں کہ انکو یہہ مطلوب ہے
کہ مباحثہ اوسی بات سی شروع ہو جو دیکہی نہیں اگر جناب کی یہی مرضی ہو تو
مباحثہ پر قایم ہو کر جو جواب اس مسئلہ کی شامل ہی آپ ویسی پیش کیجیی اور ہم تامل
سی سکی جواب دونگی لیکن مباحثہ سی اگی جواب دینا لازم و واجب نہیں جانتی
ہیں اور درحالیکہ آپکی رضامندی اس بات پر نہ تہی تو مباحثہ موقوف رہیگا
اور میری اگلی خط میں بہی اسکی اشارہ تہا فقط المرقوم ۱۲ اپریل ۱۸۵۴ع مطابق رجب ۱۲۷۰
دستخط انگریزی ہی بعد ازاں خط خط از جانب مولوی صاحب بپادری صاحب..

خط مولوی صاحب

بندہ گذارش ان نامہ عمدۃ مسیحیان ذوی الاقتدار سلامت عنایت نامہ آپکا پہنچا اور
اوسکی دیکہنی سی کمال تعجب ہوا افسوس کہ آپ محض گفتگو موقوف کرنیکو ایک عذر
بیجا بار بار زبان پر لاتی ہیں بہلا جب آپہی علی رؤس الاشہاد اس مجموعہ میں تحریف
آیات کی اثبات جس سی ایک جا ابہی دو باب پانچویں نامہ یوحنا کی بیان ہی اور
تفسیر کی کتابیں ایسی ہیں کہ وہ تحریف جسکی ہم مدعی ہیں اوس سہو کا نتیجہ
ایک فرد بن گئی اور اس لحاظ سی امکان کا کیا ذکر وقوع تحریف کا بالفعل
اس مجموعہ میں آگئی نزدیک مسلم ہوا پہر جواب عدم تحریف مقصود اصلی اس مجموعہ
کی واجب التسلیم کر اقی ہیں کیا شرط انصاف کی ہی دیکہو جس قبالہ میں بات اٹہہ
جا جعل کیا جاوی اور صاحب قبالہ اوسکو قبول ہی کر لیوی اور پہر دعوی کریگی
کہ اور جا اگر یہہ جعل کیا ہی مگر مقصد میں کچہہ جعل نہیں کیا تو اوسکی کون سنتا
ہی علاوہ اسکی جیسا کہ اگی بہی عرض کر چکی ہیں کہ جانا منصب آپکی عنایت نامی کی

دینے

موافق مسئلہ نسخ اور تحریف اور تثلیث مین اعتراض کا اور اسکا منصب جواب
کا تھا پس انصاف سے سمجھے کہ اثبات عدم تحریف کا مقصد اصلی مین نقیضہ انکی
ذمہ ہی اور ہمنی تو اپنی منصب سے زیادہ مشکوکیت اور محرفیت اونکا
مجموعہ کی ثابت کردی اور آئندہ جا آیات مین اینی اوسکو مان لیا پس ہمارا
ذمہ بالکل فارغ اور انکا ذمہ مشغول ہی اور ہمکو آپ اتنا ہی کافی ہی جو ہمنے
ذکر کیا کہ یہہ مجموعہ مشتبہ ہی اور کیونکر نہو کہ جو ہمنے کیا ذکر اوسکی اکثر کتابونکی نسبت
علمای مسیحیہ کو سلف اور خلف نے رد کیا ہی اور بہت علمای مسیحی نے مذہب سے
اقرار کیا ہی کہ نامہ دوم پطرس اور نامہ یعقوب اور نامہ یہودا اور نامہ دوم
سیوم یوحنا اور مشاہدات یوحنا انجیل نویسونکی لکھی ہوئی نہین جیسا کہ تفصیلا
اون علما کی اقوال کی تشریح رسالہ اعجاز عیسوی مین جو انشاء اللہ عنقریب
آپکی ملاحظہ مین گذریگا ہمنے بیان کی پس اگر سند متصل اس مجموعہ کی ہوتی تو ہرگز ایسا
خلاف نہوتا اور بہت علما معتبر ایسا نہ کہتی اور اسیطرح انجیل متی جو اول
الاناجیل ہی اوسکی بہی کوئی سند متصل نہین اور موافق مذہب مختار قدما
کی وہ عبری مین تھی اور وہ اب صفحہ جہان سی گم ہی اور ترجمہ یونانی
اوسکا پایا جاتا اور وہ بہی بلا سند کہ آج تک بالیقین اوسکی مترجم کا نام معلوم
نہین جیسا کہ ایسا اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible]
اور [illegible] اور ڈاکٹر کیو اور ڈاکٹر [illegible] اور [illegible] اور بارودوا
[illegible] اور کیٹنیل اور [illegible] کلارک اور سائمن اور [illegible] اور [illegible]
اور [illegible] اور کامٹ اور میکائلس اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible]
اور اپی فانیس اور [illegible] اور جیروم اور گریگوری نازیانزن
اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible] اور [illegible]

۳۱ ۳۲ ۳۳

اور اتفاق سیمش اور آگستائن اور اسی ڈور اور علمای متقدمین
اور متاخرین عیسائی کی اقوال سی جنکو لارڈنر اور دوسرون وغیرہ نے
اپنی کتابون مین نقل کیا ہی ثابت ہین پس ایسی انجیل کو ہم کلام الله کیونکر
اور ترجمونکا حال تو قدیم سی اہل کتاب مین بہت ہی خراب ہی اسکی ترجمے
بہی بہت کچھ خراب ہی شاید اسی لیے ہم اوسکو بہت جا صریح غلط پاتی ہین
اول ہی کی باب مین چند غلطیان فاحش اوسمین موجود ہین اور بی سند ہونی
عہد عتیق کی کتابونکا ہم کیا ذکر کرین پس ہرگز ہم بی سبب بی سندگی
کی مضمونکا ہی بالیقین پتا نہین لگتا جب یقین نہین ہو سکتی اور جواب
اپنی دونون خطون کی موافق ایک ہی شرط پر گفتگو کرینگا اور پس دو
ہماری نزدیک دو شرطین بالکل خلاف داب مناظرہ ہی اور دوسری بھی
سی ہم اوسکا انکار کرتی ہین جیسا بارہا ہم عرض کر چکی لیکن یہہ سمجھکر
کہ آپنی ایک عذر بیہودہ بیچ سی جلسہ قطع کرنی گفتگوکا اوٹھایا اور گفتگو سو توقف
کی شرط سی مباحثہ کو قطعاً قطع کرتی ہین اور یہہ ہمارا آخری خط ہی پس ہم تو
اسکی بعد کوئی خط نہ لکھینگی اور آپ بھی نہ لکھینگی لیکن اگر آپ مباحثہ ضبط کرکی
چھپوانی منظور ہو تو دو باتونکا لحاظ رکھنی گا ایک تو یہہ کہ ہماری معنی اصطلاحی نسخ
جنکی تشریح تمام ہمنی جلسہ اول مین کردی تھی مشروحاً لکھدیجیگا دوسری یہہ
کہ سب خطوط اپنی اور ہماری کو جو قبل گفتگو زبانی اور بعد اوسکی تحریر ہوئے
ہین اوس مباحثہ کی ساتھ چھپوا دیجیگا تاکہ ناظر اوسکا خود ہی معلوم کرلیگا
کہ کون غالب رہا اور کون مغلوب ہوا اور کون خلاف داب مناظرہ کی کہتا تھا
اور کون اوسکی موافق اور وہ جو آپ لکھتی ہین کہ ہمنی جو میزان الحق کی
دوسری فصل کی تشریح مین لکھا کہ قران اور اوسکی مفسرین دعوی

کرتی ہیں کہ قرآن کے ظہور سے انجیل منسوخ ہوئی ہے اور جناب نے کہا کہ یہ بات غلط ہے
یعنی جناب پادری صاحب نسخہ تحریر اور ہر تقریر میں تحریف کرتے ہیں آپ کے تحریر سے
یہ نسخہ صفحہ ۱۵۸ اس باب میں قرآن اور اوسکے مفسرین دعوی کرتے ہیں کہ حضرت
زبور کے آنے سے توریت اور انجیل کے ظاہر ہونے سے زبور منسوخ ہوئے
اسیطرح انجیل بھی قرآن کے ظاہر ہونے سے منسوخ ہوگئی اور یہہ صفحہ
میں بھی محمدیوں کا دعوی بے اصل اور بیجا ہے جو کہتے ہیں کہ زبور توریت کے
اور انجیل ان دونو کو منسوخ کرتی ہے اور میری تقریر یوں تھی کہ غلط ہے
جو دونو جا آپنے لکھا ہے قرآن میں تو یقیناً اسکا کسی جا ذکر نہیں اور کسی
تفسیر سے یہہ مجموعہ ثابت ہو سکتا ہے بلا مخالف اوسکی تفسیرون اور اور کتب
اسلامی سے سمجھا جاتا ہے بعد اسکی عبارت تفسیر عزیزی اور تفسیر حسینی کے میں نے
پیش کی ہے اور بہت بڑی غلطی آپکی اوس تحریر دعوی میں یہہ ہے کہ زبور
آپ مسلمانوں کے دعوی کے موافق ناسخ توریت اور انجیل کے منسوخ
فرماتے ہیں حالانکہ یہہ صرف بہتان ہے اور وہ جواب لکھتے ہیں کہ جناب ان
دونوں میں سے کسی ایک بات کو ثابت کریں یعنی مدلل کریں کہ قول حضرت مسیح نہیں
ہمارے نزدیک اگر قول مسیح ثابت ہوجاوے اسکے انکار کو
ہر اجاتے ہیں مگر ثابت ہونا اسکا مشکل ہے اور آپ اوسے ہرگز مدلل ثابت
نہیں کرسکتے مگر اس سے قطع نظر کرکے کہتا ہوں کہ اول جب ہمارا کلام
یہ ہے کہ کیا عہد عتیق اور کیا عہد جدید ہرگز اوسکے آیات سے ہمارے اوپر
تمسک تام نہیں جب تک اس مجموعہ کی آپ عدم تحریف ثابت نہ کریں
اور سند متصل اوسکی نہ بتادیں اور ہم پر لازم نہیں کہ کسی آیت پر اسکی
التفات کریں دوم یہہ کہ اگر بالفرض والتقدیر مان بھی لیں کہ یہہ اقوال مسیح کی

ہیں تو ان سے آپ کا مطلب نہیں نکلتا جیسا کہ میں نے تصریح کی ہی اور اوسکا قول
جلسہ اول میں گذارش کیا تہا سوم یہہ کہ اگر بالفرض اُن ہی لوگوں کی
گواہی سے ایکا مطلب نکلتا ہی تو اوس سے اتنا ہی ثابت ہوگا کہ مسیح
وقت تک بعض کتابیں عہد عتیق کی محرف نہیں ہوئی تہیں اور یہہ تو ثابت
نہیں ہوتا کہ بعد زمانہ مسیح کی بہی نہوئی ہونگی جلد اول تفسیر ہنری اور اسکاٹ
میں ہی کہ اگستاین یہود کو الزام تحریف کا عبریوں کا دیتا تہا کہ انہوں
نی واسطی غیر معتبری ترجمہ یونانی اور بسبب دشمنی دین مسیحی کی یہہ امر کیا تہا
اور قدمای مسیحیوں میں ہی رای عام تہی اور کہتی تہی کہ سنہ ۱۳۰ع تخمیناً
عیسویں میں اونہوں نی یہہ تحریف کی ہی انتہی ملخصاً پس اگستاین اور
جمہور قدما کی موافق یہہ تحریف دوسری صدی میں ہوئی ہی اب بعد اسکے
اور رہا یہی ہو پس گواہی جناب مسیح کی آپکی زعم میں اسکی نفی
کیونکر ہو سکتی ہی اور جو آپنی ایک عذر ضعف کی سبب سے
مباحثہ ختم کیا تو اور باقی خط کو جو اگلی مباحثہ کی متعلق تہین
کیا ملحوظ زیادہ نیاز محررہ ۲۳ اپریل سنہ ۱۸۵۴ء مطابق ۲۴ رجب
سنہ ہجری روز یکشنبہ

تمت

الحمد للہ والمنۃ کہ رسالہ مباحثہ و مناظرہ کہ از جناب
افضل العلمای کرام مولانا محمد رحمت اللہ صاحب
سلمہ اللہ تعالی الی یوم القیام و پادری فنڈر صاحب
در بلدہ اکبرآباد [illegible] خاص [illegible] اتمام یافت